

acie
queicie
nuzaleme

آلتى دو بشنى
ده ؛ آلتى دو بانى
دو ق ژاتى   بيا يدوم
او دول دو ذاتى   كى يدن برى دوى
يكلو دو ديزه ٥   جه مسى دورد
قوم دوم تابك   يترباز مكنى
بر بار دو بيب   عشق و عشقه

Le per et
la mere
pourquoi



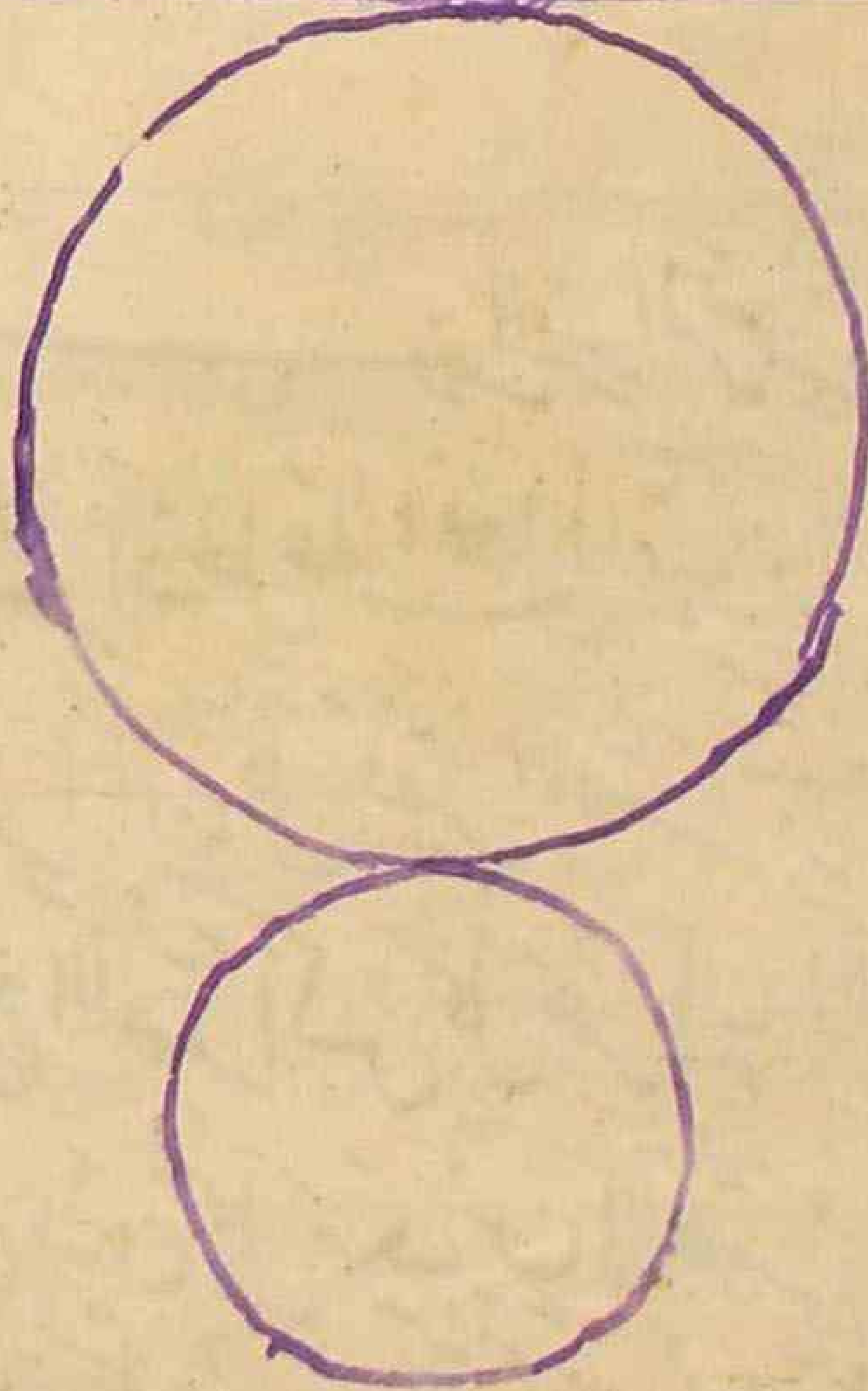
parce que j'ai beaucoup

٢١٥١١

إلهي وخلاقي وحرزي وموئلي

هذا كتاب دعاء حزب

يا الله يا الله



بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللھم ادخل علی اھل القبور السرور
اللھم اغن کل فقیر اللھم اشبع کل
جائع اللھم اکس کل عریان اللھم
اقض دین کل مدین اللھم فرج
عن کل مکروب اللھم رد کل غریب
الی وطنہ اللھم فک کل اسیر اللھم
اصلح کل فاسد من امور المسلمین

اَللّٰهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ اَللّٰهُمَّ سُدَّ فَقْرَنَا
بِغِنَاكَ اَللّٰهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ
حَالِكَ اَللّٰهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَاَغْنِنَا
مِنَ الْفَقْرِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

شرح دعای چهارده اسم

در خبر است از بزرگان دین که هر کس این چهارده اسم را بدین
دستور که نوشته شده است بعمل آورد بهر حاجتی که داشته باشد روا
گردد **اسم اول** اگر بر مشتی خاک هفت مرتبه بخواند و بر روی
دشمن بریزد بر روی دشمن هلاک گردد **اسم دوم**
اگر هفت مرتبه بر آب بخواند بهر کس بدهد از عشق بیقرار گردد
اسم سیم اگر بر پیکان تیر بنویسد و پیکان را بشوید و از آن آب
روی خود را بشوید هر کس او را ببیند دوست او شود **اسم چهارم**
اگر بر کاغذ بنویسد و در زیر بالین خود نهد باعتقاد درست همه
اسرار را در خواب باو بگویند امّا با وضو باشد **اسم پنجم**

اگر بر سفال آب ندیده بنویسد در زیر آتش دفن کند گریخته باز آید

اسم ششم اگر بنویسد بر ورق پوست آهو با خود دارد زهر با او کار نکند

و کارگر نشود اسم هفتم اگر بمشک و زعفران بنویسد و در میان قران

بگذارد و قران را در زیر سر بگذارد دزد را با مال در خواب ببیند

اسم هشتم اگر بر حریر سفید بنویسد و در میان قران بگذارد و قران را

زیر سر بگذارد غایب را در خواب ببیند و احوال خود را تمام بگوید

اسم نهم اگر بنویسد در ساق پا بندد هر چند راه برود خسته

و مانده نشود و اگر کسی در دست ظالمی گرفتار باشد و در بند عظیمی

گرفتار باشد خلاص شود اسم دهم اگر بنویسد و با خود نگاه دارد

فی الحال از بند خلاص شود بفرمان خدای عز و جل اسم یازدهم

اگر بنویسد در جیب با خود نگاه دارد هر چند زخم بر او زنند کارگر نشود

اسم دوازدهم اگر کسی خواهد در میان جماعتی عزیز باشد بنویسد

با خود دارد در میان خلایق عزیز و محترم شود و جمیع خلق دوست

او شوند و در نظر پادشاهان عزیز باشد بفرمان خدای تعالی اسم سیزدهم

اگر بنویسد و در خانه خود دفن کند خیر و برکت در آن خانه پیدا شود و اهل آن خانه

منعم کردند اسم چهاردهم اگر بنویسد با خود دارد از شر دشمنان

ایمن باشد و این دعاها آزموده شده است و پیغمبران در هم کاری معجزها

از برکت این دعا نموده اند و شرح این اسماها بسیار است اما مختصر کردیم

اسم اول یا مَثْلِیثَالِغَ اسم دوم یا مُنْجِیقَالِعَ اسم سیم

یا مُهْلُوثَا اسم چهارم یا شَغْیُوثَا اسم پنجم

یا مَالِیُوسُ اسم ششم یا رَغْیُوسُ

اسم هفتم یا مُسْتَکْتَا اسم هشتم یا مُضْطَلِیَا

اسم نهم یا مُضْطَالُونُ اسم دهم یا فُقُوتَرْتُو

اسم یازدهم یا مُسْتَخَارِیُفُ اسم دوازدهم

یا سَنَکْشَلُوثِ اسم سیزدهم یا مُشْلَشْفَعُ

اسم چهاردهم یا مُسْتَطِیعُ وَصَلَّى اللّٰهُ وَعَلىٰ

خَیْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِیْنَ بِرَحْمَتِكَ

یا اَرْحَمَ باطل کننده جمیع سحرها الرَّاحِمِیْنَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اعوذ باللہ من شر النفس و من شر
کل دآبۃ انت اخذ بناصیتھا ان ربی
غفور رحیم بحق کھیعص و بحق
حم عسق و بحق طہ و بحق یس و بحق
الم نشرح و بحق فرقان و بحق سبح
ھمو ربہ بوجد جنت سلسر فانک
منو منصور عطوف رؤف بحق لا الہ
الا اللہ محمد رسول اللہ و علیا ولی اللہ
عقل دلیل ورث خلیل انک علی ما یشاء
قدیر

ط	ی	ف	ح
ف	ح	ط	ی
ح	ف	ی	ط
ی	ط	ح	ف

منقول است از حضرت امیر المؤمنین ع که هر که این دعا را

در عقب نمازهای فریضه بخواند گناهان او آمرزیده شود اگرچه

مثل ستارگان باشد یا مثل ریگ بیابان باشد

اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ صَلٰوتِي وَ صَلَّيْتُهَا لَا لِحَاجَةٍ

مِنْكَ اِلَيْهَا وَ لَا رَغْبَةٍ مِنْكَ فِيهَا اِلَّا تَعْظِيمًا

وَ طَاعَةً وَ اِجَابَةً لَكَ اِلٰى مَا اَمَرْتَنِي بِهِ

اِلٰهِي اِنْ كَانَ فِيهَا نَقْصٌ اَوْ خَلَلٌ مِنْ رُكُوعِهَا

اَوْ سُجُودِهَا فَلَا تُؤَاخِذْنِي وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ

بِالْقَبُولِ وَ الْغُفْرَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

تعقیب نماز ظهر بخوانند

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّ

الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ

وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ

السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا

الا غفرته ولا كربا الا كشفته ولا هما الا
فرجته ولا سقما الا شفيته ولا عيبا الا
سترته ولا رزقا الا بسطته ولا خوفا
الا امنته ولا سوء الا صرفته ولا حاجة
لي لك رضا ولي فيها صلاح الا قضيتها
يا ارحم الراحمين امين يا رب العالمين

تعقيب نماز عصر

استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
الرحمن الرحيم ذو الجلال والاكرام واسئله
ان يتوب علي توبة عبد ذليل خاضع فقير
بائس مسكين مستكين مستجير لا يملك لنفسه
نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حيوة ولا نشورا

تعقيب نماز مغرب

اللهم اني اسئلك موجبات رحمتك وعزائم
مغفرتك والسلامة من كل اثم والغنيمة
من كل بر والنجاة من النار ومن كل بلية
والفوز بالجنة والرضوان في دار السلام

وجوار نبيك محمد وآله عليهم السلام اللهم
ما بنا من نعمة فمنك لا اله الا انت واستغفرك
واتوب اليك

تعقیب نماز عشاء

أعيذ نفسي وذريتي وديني واهلي ومالي
بكلمات الله التامات من كل شيطان وهامة
ومن كل عين لامة

تعقیب نماز صبح

از حضرت امام رضا مرویست که هرکه در عقب نماز صبح این
دعا را بخواند هر حاجتی طلب کند خداوند عالم بر میآورد انشاء الله

بسم الله وبالله وصلى الله على محمد وآله وافوض
امري الى الله ان الله بصير بالعباد فوقيه الله
سيئات ما مكروا لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين حسبنا الله
ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله و
فضل لم يمسسهم سوء ما شاء الله لا ما
شاء الناس ما شاء الله وان كره الناس

حسبی الرب من المربوبین حسبی الذی رب
العالمین حسبی من هو حسبی حسبی من لم
یزل حسبی حسبی من کان منذ کنت حسبی
حسبی حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
وهو رب العرش العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین

ایضاً بعد از تعقیبات نماز صبح بخواند

بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم ایضاً بعد از نماز صبح شام اینرا بخواند
سبحانک لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی
کلها جمیعاً الا انت برحمتک یا ارحم الراحمین

مرویست که این مناجات منسوبست بحضرت امیر المؤمنین و هر که
این مناجات را بخواند و بعد از خواندن این مناجات چیزی
از خدا طلب نماید حاجات او برآورده میشود و بسیار مجرب است
که اگر کسی را مشکلی پیش آید و این مناجات را بخواند مشکلش آسان گو

بسم الله الرحمن الرحیم

لَكَ الحَمدُ يا ذا الجُودِ والمَجدِ والعُلى

بزرگوار خدایا تو راست حمد و ثنا

تَبارَكتَ تُعطي مَن تَشاءُ وتَمنَعُ

که هم ز تو است عطا هم ز تو است منع عطا

اِلهي وخَلّاقي وحِرزي ومَوئِلي

گریزگاه پناه آفریدگار جهان

اِلَيكَ لَدَى الاِعسارِ واليُسرِ اَفزَعُ

توی و خوف من از تو است نزد عسر و رخا

اِلهي لَئِن جَلَّت وجَمَّت خَطيئَتي

الهی اگرچه بزرگست این گناهانم

فَعَفوُكَ عَن ذَنبي اَجَلُّ واَوسَعُ

بود گناه من عفو تو خوش دریا

اِلهي لَئِن اَعطَيتُ نَفسي سُؤلَها

الهی اگر بدهی آرزوی نفس مرا

فَها اَنا في رَوضَةِ النَّدامَةِ اَرتَعُ

منم در ریاض ندامت ز چرخ هجران بچرا

اِلهي تَرى حالي وفَقري وفاقَتي

توی که میشنوی در جهان مناجاتم

وَاَنتَ مُناجاتِ الخَفيَّةِ تَسمَعُ

بجان زار من و فقر و فاقه ام بینا

اِلٰهی فلا تقطع رجائی و لا تزغ
بر امید برآر دلم مگردان باز
فؤادی فلی فی سیب جودک مطمع
که بسته‌ام طمع بجز لطف جود تو
اِلٰهی لئن خیبتنی او طردتنی
امید از که برآید شفیع من که شود
فمن ذا الذی ارجوا و من ذا الشفع
کرم برای تو امید ساز ای مولا
اِلٰهی اجرنی من عذابک انّنی
الٰهی از درکات عذاب امان ده
اسیر ذلیل خائف لک اخضع
اسیر خوارم ترسان و دستها بدعا
اِلٰهی فانسنی بتلقین حجتی
ببخش انس بتلقین حجتم از
اذا کان فی القبر مثوی و مضجع
که کنج گور بود خوابگاه بجای
اِلٰهی لئن اخطئت جهلاً فربما
هزار سال کرم در عذاب [illegible]
رجوتک حتی قیل ما هو یجزع
[illegible] که بما امید از [illegible] مسلم تقطعا

إلهي لئن فرطت في طلب التقى

چشانی مذاق مرا طعم عفو خود روزی

فها أنا إثر العفو أقفو وأتبع

که نیست مال و نه فرزند سودمند آنجا

إلهي أنلني منك روحا ورحمة

رعایت تو کرم هست [illegible] ضایع

فلست سوى أبواب فضلك أقرع

دگر نه [illegible] نعم دگر دوام حیات حیا

إلهي ذنوبي بذت الطود واعتلت

چه آنست لایق عفو تو جز نکو کاری

وصفحك عن ذنبي أجل وأرفع

چه چاره بر شود او [illegible] گرشته اسیر و هوا

إلهي لئن عذبتني ألف حجة

ز فعل [illegible] ار چه بی طاعت تو [illegible]

فحبل رجائي منك لا يتقطع

گرفته ام رسن عفو تو بر امید عطا

إلهي أذقني طعم عفوك يوم لا

اگر ز جهت خطا [illegible] ام امید تو

بنون ولا مال هنالك ينفع

زیادت است که گر نه [illegible] کریم تو

إلهي إذا لم تعف عن غير محسن

[illegible]

فمن لمسيء بالهوى يتمتع

چه غم اگر عفو تو بر جرم من بود [illegible]

إلهي إذا لم ترعني كنت ضائعا

ز بار رحمت تو گر [illegible] من

وإن كنت ترعاني فلست أضيع

مرا ز یاد خطا ریزد از دو دیده بجا

إلهي ينجي ذكر طولك لوعتي

ببخش تو [illegible] عفو کن [illegible]

وذكر خطايا العين مني تدمع

که سخت نادم و ترسان و معترف بخطا

إلهي أقلني عثرتي وامح حوبتي

ببخش رحمت [illegible] بلطف عمیم

فإني مقر خائف متضرع

کم [illegible] جز در لطف تو بنده را [illegible]

إلهي لئن أفضحتني أو أهنتني

چه حیله سازم الهی [illegible] کنم یا رب

فما حيلتي يا رب أم كيف أصنع

اگر بفعل بدم خوار سازی و رسوا

إلهي حليف الحب بالليل ساهر

بحق دوست شبانه دراز از نیاز

يناجي ويدعو والمغفل يهجع

به پیدا نیاز گند عرضه خفته نابینه

إلهي تمنيني رجائي سلامة

امید بسته آنچه دو تو جمله رو کعبه

وقبح خطيئاتي علي يشنع

طمع بجنت جاوید و رحمت عظمی

وكلهم يرجو نوالك راجيا

مرا بزشتی افعال سرزنش گوید

لرحمتك العظمى وفي الخلد يطمع

بسلامت حال آرزو امید مرا

إلهي فإن تعفو فعفوك منقذي

رهانیدم از گنه ام عفو اگر بیامرزی

وإلا فبالذنب المدمر أصرع

وگر نه هلاکم جرم افکند از پا

إلهي بحق الهاشمي وآله

بحق ذریه اولاد هاشم عربی

وحرمة الأبرار هم لك خشع

بحرمت همه نیکان با خضوع و رضا

الهی ما انشرنی علی دین احمد
مرا شفیع تو بدین راه نگرید بر دیگران
منیبا تقیا قانعا لک اخضع
که شستم از گنه ابر ده طاعت ثنوم
ولا تحرمنی یا الهی وسیدی
وزان شفیع منفع مرا مکن محروم
شفاعة الکبری فذاک المشفع
چه در دهند ندای شفاعت کبری
وصل علیه ما دعاک موحد
درود در رحمت رضوان بر روح سید باد
وناجاک اخیار ببابک رکع
بحق طاعت مردان رحمت کنم حرمنا
ولازم است که بعد از خواندن مناجات اینه عالا بخواند
فیا من احل مما وصفت اسئلک ان
تصلی علی محمد وال محمد ولا تحرمنا
شیئا مما سئلناک وزدنا من فضلک
انک علی کل شیء قدیر برحمتک یا
ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد
واله الطاهرین

هذا شرح مناجات زبور سریانی

روایت میکند ابن عباس رضی الله عنه که اصل این مناجات در زبور
داود ع واقع است که بلغت سریانی است و از دعاهای الهامی است
و شرح این مناجات در روضهٔ سید الانبیا بر سنگ جزع نوشته بود
عرب و عجم تحریر کردند هر آن مومن که این مناجات سریانی را
بخواند در هیچ حاجتی از حاجات حق جهانی در نماند اگر محبوس
بخواند از بند خلاصی شود و اگر بیمار بخواند شفا یابد و اگر در کارزار
بخواند بر لشکر ظفر یابد و اگر فرد و تنها در صحرا بماند و راه
گم کرده باشد بخواند راه راست بیابد و اگر گرسنه و تشنه
این مناجات را بخواند سیر و سیراب شود و اگر مفلس بخواند
توانگر شود و اگر از خوف پادشاهان ترسان باشد یکبار بخواند
سلطان بر وی مهربان شود و اگر بر دیو بخواند از وی گریزان
شود و اگر بر کشتی روی دریا بخواند روان شود و اگر از برای
باران بخواند سیلاب از آسمان بارد و اگر به نیت ایستادن
باران بخواند باران بازایستد بهر نیت که دارنده و خواننده این مناجات
بدارند یا نگاه دارند البته مستجاب الدعوه گردند

بسم الله الرحمن الرحیم

أنا المطلوبُ فاطلبني تجدني
منم مطلوب ای طالب کجایی
مجوی غیر ما و هیچ کاهی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

أنا الربُّ الذی یخشی عذابی
منم پروردگار جمله موجود
بترسند از عذابم خلایق
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

أنا المقصودُ لا تقصد سوایی
چه من مقصود باشم در دو عالم
خلایق را منم خلاق و رزاق
مرا غیر هست غیر از ذات پاکی

أنا الملکُ المهیمنُ جلّ قدری
منم آن شاه که قدر من عظیم است
اگر خواهی مرا پیوسته یابی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

أنا المعبودُ لا تعبد سوایی
منم معبود و جز من نیست غیری
بکن سعی که معبود هر کس
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

فإن تطلب سوائی لن تجدنی
چرا در حضرت ما می‌نیایی
اگر شایسته درگاه مایی
که بخشاینده جز من نیابی

جمیع الخلق فاطلبنی تجدنی
تو را من چنین نباشد هیچ مقصود
خلایق را بجز من نیست معبود
که بخشاینده جز من نیابی

کثیر الخلق فاطلبنی تجدنی
مجو غیر مرا ای بنده هر دم
ز من موجود شد حوا و آدم
تمامی را همه من آفریدم

عظیم الملک فاطلبنی تجدنی
بسوی خلق لطف من عمیم است
که ذات من کریم است و رحیم است
که بخشاینده جز من نیابی

أنا الموجود فاطلبنی تجدنی
بسوی من بکن ای بنده سیری
همی پرواز کن مانند طیری
که بخشاینده جز من نیابی

انا للعبد ارحم من ابیه — و من ابویه فاطلبنی تجدنی

اگرچه شد پدر مادر برادر — ولی نبود کس از من مهربان تر
اگر جویان منی باشی بیابی — که من هرگز نه بستم بر کسی در
طلب کن تا مرا فی الحال یابی — که بخشاینده جز من نیابی

تجدنی فی سواد اللیل عبدی — قریبا منک فاطلبنی تجدنی

مرا اندر شب تاریک یابی — اگر خوانی در اندم گر نخوانی
مرا نزدیک خود پیوسته بیدان — ز جان خویش هم نزدیکتر دان
طلب کن تا مرا فی الحال یابی — که بخشاینده جز من نیابی

تجدنی فی سجودک حین تدعوا — وحین تقوم فاطلبنی تجدنی

مرا بنده اگر در سجده خوانی — و یا در قعده ذکر من برآیی
مرا در قعده یا در سجده یابی — اگر یابی گهی بی من نمانی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی — که بخشاینده جز من نیابی

تجدنی راحما برا سریعا — بکل الخلق فاطلبنی تجدنی

رحیم و مهربانم بر خلایق — من این اوصاف هستم انا الحق
اگر روزی ز من خواهی رسانم — تو مرزوق منی من بر تو رازق
طلب کن تا مرا فی الحال یابی — که بخشاینده جز من نیابی

تجدنی واحدا صمدا عظیما — کثیر البر فاطلبنی تجدنی

به یکتایی کریم و کارسازم — عظیم الیره و دیگر بی نیازم
بسازم چاره بیچارگان و — که من ستارم و بنده نوازم
طلب کن تا مرا فی الحال یابی — که بخشاینده جز من نیابی

تجدنی مشتغلا بک معینا

منم فریادرس درماندگان تو
چه غفارم بیامرزم گناهان
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

تجدنی واسعا بالخلق عبدی

اگر اندوهی رسد با تو بخوانی
طلب کن تا بفریادت رسم من
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

اذا اللهفان نادانی کفیتها

فراخی در جهان از من بیابی
اگر بیچاره با تو بخواند
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

اذا المضطر قال لاترانی

اگر بیچاره گوید که یارب
ببینم در زمان سویش باشم
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

اذا عبدی عصانی لم تجدنی

گنهکاری اگر آرد گناهی
بگیرم در زمان او و عصیان
اگر از یاد من وقت سحرگاهی

انا الغفار فاطلبنی تجدنی

منم قهار و قادر مردمان تو
ببخشایم خطایت در زمان تو
که بخشاینده جز من نیابی

انا المذکور فاطلبنی تجدنی

منم فریادرس درماندگانی
بیا با من تو گوهر نوع خوانی
که بخشاینده جز من نیابی

اقل لبیک فاطلبنی تجدنی

امور بنده از من کن دید
کنم لبیک اگر چه او نداند
که بخشاینده جز من نیابی

تقربت الیه فاطلبنی تجدنی

ببوسانم بهین از لطف اشب
کنم برتر مرا او عز و منصب
که بخشاینده جز من نیابی

سریع الاخذ فاطلبنی تجدنی

نیارد توبه تا گاه و ماهی
دهم او را بحکم خویش راهی
برآرد از دل خود نیم آهی

فإن هو تاب تبت علیه عبدی
پس اوگر توبه آرد یا انابت
بود مقبول نزدم توبه او
چنان گفت امام او بو حنیفه

أنا التواب فاطلبنی تجدنی
به بخشایم من او را از سخاوت
کنم حاجات او جمله اجابت
که شاهانرا نباشد این ولایت

ومن مثلی واین یکون مثلی
بگو مثلم کجا باشد نباشد
اگر غیر مرا جوئی نیابی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

ولیس یکون فاطلبنی تجدنی
بجز من کس خدا باشد نباشد
بجز من آنچنان باشد نباشد
که بخشاینده جز من نیابی

هلم إلی لا تقصد سوائی
بیا بشتاب کوی من بزاری
بجوی غیر من در هیچ وقتی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

أنا المنان فاطلبنی تجدنی
بجز من خالق دیگر نداری
بخاطر ناامیدی کی نیاری
که بخشاینده جز من نیابی

أتذکر لیلة نادیت سرا
اگر یادم کنی در شب نهانی
منم سامع بهر چیزی که خوانی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

ألم أسمعك فاطلبنی تجدنی
تو گوئی خود بطلب میرسانم
که من نزدیک تو همچون روانم
که بخشاینده جز من نیابی

فلا ینجیک یا عبدی سوائی
نجاتت میدهم از بیم نیران
اگر جوئی مرا فی الحال یابی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

من النیران فاطلبنی تجدنی
تو و جز من بدنیا نیست رحمن
که من نزدیک هستم از رگ جان
که بخشاینده جز من نیابی

وَلَیْسَ عَلَیْكَ الفِرْدَوْسُ عَزِیزِی
تو بو در جنت الفردوس مسکن
منم روزی ده بهر ذی حیوتی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

اَهَلْ فِی الخَلْقِ مَنْ یُعْطِی جَزِیلًا
بجز من کی عطایی سو به بخشد
دوا در درد اگر از من بجویی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

اَتَعْرِفُ غَافِرَ الذَّنْبِ غَیْرِی
بجز من ساتری دیگر نباشد
کرم بخشد بغیر از من گناه است
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

سَاَغْفِرُ لِلْعِبَادِ وَلَا اُبَالِی
به بخشیم بغفر دار قیامت
که باشی خرم و خندان در آنجا
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

وَاُکْرِمُ مَنْ اُرِیدُ بِلَا حَیَاةٍ
کرامت دارم آنکس را که خواهم
به بخشایم گناه بی حسابت
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

اَنَا الرَّزَّاقُ فَاطْلُبْنِی تَجِدْنِی
کرم بخشم تو را ای بنده من
بجو غیر مرا ای بنده من
که بخشش بنده جز من نیابی

سِوَایَ لَیْسَ فَاطْلُبْنِی تَجِدْنِی
جهانی هر گدایی را به بخشد
بجز من کی شفا او را ببخشد
که بخشش بنده جز من نیابی

اَنَا الغَفَّارُ فَاطْلُبْنِی تَجِدْنِی
بجز من غافری دیگر نباشد
بجز من قادری دیگر نباشد
که بخشش بنده جز من نیابی

غَدَاةَ الحَشْرِ فَاطْلُبْنِی تَجِدْنِی
تا روی سزا از کرامت
بدست تو دهم ملک کرامت
که بخشش بنده جز من نیابی

اَنَا الوَهَّابُ فَاطْلُبْنِی تَجِدْنِی
چه جویی طریق و پناهم
بدان ای بنده من نیکو آگاهم
که بخشش بنده جز من نیابی

وارحم من عبادی من عصانی
ببخشم من گناه جاهلان را
مرا هر کس که میجوید بیابد
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

واکرم من یتوب الی خوفا
زبیم من اگر گردی پشیمان
چه در سختی مرا جوی بیابی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

لی الآلاء والنعماء عبدی
مرا ای بنده نعمتهای عام است
ز من خیرات جاری هر زمان است
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

تعززنی فلم ترقط مثلی
عزیز من بعزت هست دایم
ز من بطلب تو هر چیز باید
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

انا المولی الذی لا ظلم عندی
من آنهایم که نزدم نیست بیداد
فراموشت نخواهم کرد هرگز
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

بجهل منه فاطلبنی تجدنی
بیا کای نام از خود غافلان را
نمیخواهم مگر صاحب دلان را
که بخت بنده جز من نیابی

لی الاکرام فاطلبنی تجدنی
نگردد خاطرت هرگز پریشان
که هر دشوار من گردانم آسان
که بخت بنده جز من نیابی

لی الخیرات فاطلبنی تجدنی
دلی واصل بتو هر صبح و شام است
دیگر انعام من ای بنده عام است
که بخت بنده جز من نیابی

الست تراه فاطلبنی تجدنی
بذات من بود هر خلق قایم
اگر باشد علف هر بهایم
که بخت بنده جز من نیابی

عتاق العبد فاطلبنی تجدنی
بهر نزد من بود هر بنده انود
اگر باشی مرا پیوسته در یاد
که بخت بنده جز من نیابی

لي الدنيا وما فيها جميعاً
زجه گيست اين دنيا ملكوت
طلب كن در ركوع و در سجود
طلب كن تا مرا في الحال يابي
أتعرف من له اسم كاسمي
چو نام من كسي بو نام نبود
منم آن مهربان كز نعمت من
طلب كن تا مرا في الحال يابي
أتعرف من يغيث الخلق غيري
بجز من هيچكس فرياد رس نيست
اگر باشي طلب كار من بجويي
طلب كن تا مرا في الحال يابي
أتعرف ساتر العيب غيري
بپوشم عيب تو از ذيل غفران
اگر تو هم مرا جويي بيابي
طلب كن تا مرا في الحال يابي
أتعرف منعماً غيري سريعاً
تو تو نا جز نبايد از هلاكت
بجو هر دم مرا از پاس جان
طلب كن تا مرا في الحال يابي

لي الملكوت فاطلبني تجدني
زفيض كيست اين ناسوت لاهوت
كه اندر قرائت گاه قنوت
كه بخشنده جز من نيابي
انا الرحمن فاطلبني تجدني
بجز من هيچكس علام نبود
جوان و پير بي انعام نبود
كه بخشنده جز من نيابي
من الكربات فاطلبني تجدني
مغيث تو بجز من هيچكس نيست
مگر در خواطر تو اين هوس نيست
كه بخشنده جز من نيابي
انا الستار فاطلبني تجدني
بجز من نيست كس ستار يزدان
چنين رحمت تو و باشد فراوان
كه بخشنده جز من نيابي
من الغلطات فاطلبني تجدني
بدو لانا جز منت از روي رافت
كه لطفم در خور رحمت بني بس رحمت
كه بخشنده جز من نيابي

أتعرف من يقول الشيء غيري
کسی بو غیر من داری تو خاطر
اگر جوئی مرا یابی بهر حال
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

أنا الله الذی لا شیء مثلی
خدایم آنکه نبود مثل من شیء
اگر باشی طلب کارم بیابی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

أنا ملک الملوک کل ملک
منم مالک بملک کل مملوک
اگر جوئی مرا اول بیابی
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

أنا الوهاب یا عبدی سریعاً
منم بخشنده رحمت رسائی
اگر طالب شوی یابی مرا تو
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

أنا حق الذی هو قبل قبلی
منم عاری وجودم از زمانها
اگر جوئی مرا یابی بهر حال
طلب کن تا مرا فی الحال یابی

یکن فیکون فاطلبنی تجدنی
گر از کن سازد او معدوم ظاهر
بنزد جمله اشیا گر نا ظر
که بخشاینده جز من نیابی

أنا الدیان فاطلبنی تجدنی
جزا ده خلق را از مرده و حی
چنان کز خویش یابی سایه و فی
که بخشاینده جز من نیابی

لی المیراث فاطلبنی تجدنی
که غیرم نزد من باشند مفلوک
ز میراث عبیدم جمله مفکوک
که بخشاینده جز من نیابی

وفی العهد فاطلبنی تجدنی
بعرش کبریا تا سطح ماهی
بجهد خویشتن بنده و نماے
که بخشاینده جز من نیابی

وبعد البعد فاطلبنی تجدنی
منم خالی وجودم در مکانها
هم از قبل هم از بعد زمانها
که بخشاینده جز من نیابی

أنا الله المكرم زرت لك
چه زهره داري اي خرفات گمراه
جواب شد بموسى لن تراني
خطاب آمد ازين كافه مزن دم

فإني منك في قربٍ وبعدٍ
بفضل بيكران محو الهي
منزه باشد از نزديك و دوري
طلب كن تا مراني الحال يابي

أصبحت كل وقتٍ يا حبيبي
زكن موجود كوم هر دو عالم
تو ئي طالب منم مطلوب اما
طلب كن تا مراني الحال يابي

تعززت فلم ترقط مثلي
بجز من كس نگهباني نباشد
بجو بخشش من بحد و حصر
طلب كن تا مراني الحال يابي

أنا الملك الملك فوق عرشي
منم آن پادشاه كل عالم
ز كرسي كون مجموع اشياء
طلب كن تا مراني الحال يابي

أنا المرئي فاطلبني تجدني
زني دم در مقام لي مع الله
كه گفتا رب أرني كلم الله
زبان بگشا بگو استغفر الله

كقاب القوسين فاطلبني تجدني
كه محفوظند از آن هم مرغ و ماهي
ز قرب بعد او صورت بماهي
كه بخشنده اجز من نيابي

من الألطاف فاطلبني تجدني
چنين دعوي مرا باشد مسلم
تو كي داني چنين والله اعلم
كه بخشنده اجز من نيابي

ولست تراه فاطلبني تجدني
بجز هيچ رهاني نباشد
بجز من صاحب احساني نباشد
كه بخشنده اجز من نيابي

لي التكليف فاطلبني تجدني
ز فوق عرش چنين ايجاد آدم
نمي باشم بجز چنين ياد آدم
كه بخشنده اجز من نيابي

از قول دانیال پیغمبر طریقهٔ این فال نامه اینست که اول سورهٔ
حمد را بخواند و بعد این آیه را بخواند وعنده مفاتح الغیب
لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط
من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض
ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین
و بعد ۳ دفعه استغفر الله ربی واتوب الیه و بعد ۳ دفعه
صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بعد دیگر مطلب خود را
نیت کند و چشم بر هم گذارد و انگشت خود را بر سر یکی از این
خانها بگذارد و سورهٔ حمد بخواند حال او معلوم گردد
از خوب و بد انشاء الله تعالی و بسیار مجرب است و ما مختصر کردیم
والله اعلم

اول لحیان	دویم قبض الداخل	سیم قبض الخارج	چهارم جماعت
پنجم فرح	ششم عقله	هفتم انکیس	هشتم حمره
نهم بیاض	دهم نصرة الخارج	یازدهم نصرة الداخل	دوازدهم عتبة الداخل
سیزدهم عتبة الخارج	چهاردهم نقی الخد	پانزدهم اجتماع	شانزدهم طریق

اول لحیان

چو بر طالع برآید شکل لحیان　　بزرگیها بیابد پس ترا جان
ترا عزت بنزدیک بزرگان　　بیابی جمله حاجتهای ایشان
بزودی خوب باشد عقد پیوند　　خلاصی یابد ار محبوس از بند
سفر با نیک عاقبت خوش دل آید　　دیگر گم گشته‌ات با محفل آید
نباشد هیچ آزاری باعضا　　بصحت عافیت باشد بهر جا
ترا اندیشه بینم خرم و دلشاد　　بهر روز دیگر یابی تو امداد
اگر حرکت کنی زاینجا بمنزل　　بیابی ذات مقصود تو حاصل
صد و بیست شود کارت مهیا　　بود حاصل مراد از پیر و برنا

انچه موافق این رمل است از نثر جان موافق این رمل است
از قول دانایان پیغمبر ۳ دلیل است بر خرمی و شادی و سعادتمندی
و قوه ستاره و صحت بدن و نیکوئی حال و اوج مراتب در نظر
دوستان و بزرگان و سرافرازی یافتن از جانب ایشان
و قوه کیسه می بینم که امید بسته بجانب دوستی یا فرزندی
دل خوش شوی که انچه موافق حال خود شدی بعد و از بدیها
گذشت انشاء الله تعالی زود خرم و خوشنود شوی و گردش بطالع
شاید پیدا شود و چنان بنماید که درین نزدیکیها شخص

بزرگی از شما غایب شده و بزودی بشما برسد و از شخص
منفعت زیادی بشما برسد و شما با و سرکار خواهی بودن تا
آخر کار از جانب او کدورتها بشما برسد و در روز دیگر از جانب
زنی میان قد که میل بگو آهی و شوخ چشم و هرزه خند بود که
الحق حرف ق یا الف یا میم می‌بینیم از او اندیشه کرده
که در پی اینست که مکر و حیله بنماید که باعث بستگی کار شما
باشد یا آنکه چیزی از مال شما بعرض تلف برساند اما از جانب
بلند بالائی خوشنود شوی و چنان می‌بینیم که در این اوقات
شخصی که قبل از این با شما دشمن بود الحال در مقام دوستی برآمده
آنچه مدعای شما بود بعمل میاورد که امیدی در دل داشته باشی
که آنهم بزودی روا شود و یک خبر خوشی از امروز تا دوازده روز
دیگر بشما برسد و سبب غمگینی و خوشحالی و منقلب احوالی رفع شود
و خداوند این طالع را از لباسهای زرد و سفید و انگشتر یمنی
و از روزها روز یکشنبه و پنجشنبه و چون ماه نو بیند بر نقره نظر
کند و چون بطلب حاجتی و مطلبی برود بردست راست نشیند

تا حاجت او روا شود خداوند این طالع را از بلندی و آتش
قران بود و قران شاید و سالکی و صفت سالکی و بیت
سالکی بود چنین از اینها یکند رد عمر بشود سال به رسد و خداوند
این طالع باید که همیشه با تعویذ باشند تا در نظر خلق عزیز و گرامی باشند

باب دوم قبض الداخل سعد

قبض داخل بود باسم صور	زوج و فرد از ازواج فرد دیگر
بیت عاشق مقام او باشد	لذت عیش کار او باشد
برج او شیر کوکبش خورشید	کرم خورشید بهره است سفید
خاکیست و جنوبی و آبی	طعم شیرین طفیل نادانی
چهره در اول بود بروز بیک	روز یکشنبه اش مزاج شناسی
قامت او میانه و لاغر	دارد از همه جانب الاخر

آنچه موافق این رمل است از قول دانیال پیغمبر دلالت
میکند که کیفیت احوال خداوند این طالع را سهل باشند
به نیکوئی احوال و نفقه ستاره و یاران نیک و وصول مهمات
و کثرت خرمی و عیش و نشه کاری و از بزرگی شغل عمل منفعت
عظیم بیند و واقف شدن بر احوال ضمیر خود در روز یکشنبه

و بدست آمدن مالی چنانچه قومی از جانب شما خوشنود شوند و
امیدی که بر دل داری باین زودی بر آید و از جانب شخصی
عظیم الشأنی نیکوئی و راحت بتو برسد و اگر از شما چیزی
بعرض تلف رسانیده باشند باز بدست شما بیاید و از جانب
بزرگی یا از جائیکه خبری نداشته باشی قوت کرده بشما برسد
و امیدیکه دارد زود برآورده میشود انشاء الله تعالی چنانچه دلخواه شما باشد
و چنین مینماید که کار شما بعد ازین اوج گیرد و چنانچه جمعی فرمان
بردار باشند و چنان می بینم که جمعی هستند که حسرت شما را
میخورند باید که تعویذ مضبوط با خود نگاه داری تا ضرر نیابی و
حرکت در این وقت ها در طالع شما مینماید و راحت و غنیمت بی
شمار بتصرف شما در آید و چنان مینماید که از جانب اقوام
مادری شما خوشنودی بشما برسد و از امروز تا چهل روز دیگر
از مشقتها بیرون آئید و از جانب بزرگی مطلب حاصل شود
و بسبب یک کسی که خاطرش با شما متعلق است شد نکوئی
اما یک مالی و امانتی بشما بسپارند زنهار قبول نکنید که باعث

خجالت شما خواهد شد و ملال از دل خود را باکسی مگو و دیگر الحمد لله هیچ
خوف و خطری در طالع شما نمی بینم و مستقبل احوال شما در دوستی
و سعادت مندی و عیش می بینیم و خداوند این طالع را از کنارهای
آب و آسیا و حمام بیم بلا و چشم زخم مینماید پس از این مکانها
باید احتیاط بکنی و قران تو در دوازده سالگی و بیست و شش سالگی
بود و چون از این بگذرد عمرش به نود سال برسد و از لباسهای سبز
و سفید او را نیکو است و انگشتری فیروزه نگه بدارد و چون ماه نو
بیند بر فیروزه نظر کند تا بر تو مبارک باشد و چون بمجلس داخل
میشود بر طرف چپ بنشیند تا مراد حاصل شود و می باید که دعای عظیم
الشان با خود نگهدارد تا از همه بلاها و آفتها و علتها ایمن باشد

سیم قبض الخارج نحس

طالعت را ضعیف می بینم | روز گارت نحیف می بینم
رفته بچیزی ز دست تو بیرون | که چنین گشته تو سرگردان
عوض نو زحق تو بستانی | حاصل آید مرادت آسانی
شادمانی بیابی آخر کار | از خداوند واحد القهار

آنچه موافق این رمل است از قول دانیال پیغمبر دلالت میکند

که قبض الخارج بفال شما بر آمده است و تعلق بر اس دارد و مشتری

بود و در پنجم عکس دارد و در سیزدهم شرف دارد و در چهاردهم

عدو دارد و در هفتم حرج دارد دلالت میکند بر پریشانی

احوال و برهم خوردگی و سرگردانی و متفکر و منقلب احوال و

خسران و نقصان و زیان اما خداوند این طالع نظر بر دوستی

یا فرزندی داشته باشد هینماید که بسبب این غمگینی و اندوهناک

بود و دلش در هیچ جا قرار نمیگیرد و هم چنان تنگدل و بی سر رشته

دکیسه خالی و مشوش احوال و هر دم و هر ساعت فکری و خیالی تازه

هینماید پس هیبایدکه چند وقت دیگر ستاره از درجه سعادت

برآید اما تا پنج هفته دیگر بسبب یک کاسبی که بسیار خاطرت

بجانب او بسته است یک خوشنودی بشما برسد و سبب غمگینی و خوف

ناکی و منقلب احوالی رفع شود بعد از این کار بار شما در نهایت

اوج برسد و رونق زیادی در طالع شما پدید آید و دیگر چنین

هینماید که خداوند این طالع را چیز جزوی بعرض تلف رسیده

و یک شخص کمی بسیار با تو در مقام دلنوازی و مهربانی بود بسبب

مکر حیله که دشمنان کشته جدایی بهم رسد و ظن غالب آن است

که خداوند این طالع از مردم کم روزی واز سودا و معامله کم
انتفاع بوجهی باشند که در ظاهر شما دشمنی کنند و در پی شکست
و آزار شما باشند پس میباید که راز خود را با کسی نگوید و دوست
و دشمن خود را بشناسی و از مکان بلندی یا جائیکه در پیش
روی عمارت کشیده باشند از هم چنین ملاحظه کن که در ان
مکان چیزی بمعرض تلف برسد و دیگر از جانب شخص اسود کوتاه
و بعد بالای هوروی احتراز کنی که او در قصد شما باشد و
خداوند این طالع از زن سفید روی نرم اندامی منتفع گردد
و کام یابی و از دزد برده و غایب خبر شنوی شما برسد و خداوند
این کوکب را ببینم که بسبب های امانتی که از کسی برده یا از
مال شما نزد کسی بعد از ان بمعرض تلف رسیده و او غمگین و پریشان
احوال میباشد و بعد از این می بینم ان شاء الله از همه غم و اندوه
خلاص شود و شما را از لباسهای سیاه و سفید و کبود و خاتم و
عقیق یمنی و از ماههای شوال و از روزها روز یکشنبه و چون ماه
نو بیند بر طلا نظر کند و چون در مجلس داخل شود بر دست راست
ان مجلس به نشیند تا حاجتش بر آورده شود باید صاحب

این طالع دعائی با خود نگه دارد تا از همه بلاها ایمن باشد والله اعلم

چهارم جماعت ممتزج

اندر این فال شد گماریها است
طرب عیش شد بابنها است

طالعت هست در بلندی اوج
اندر این فال خوش نشانها است

غایب گمشده بدست آید
اندر این فال خوب شد بهار است

انچه موافق این رمل است از قول دانیال پیغمبر ع دلالت میکند

بر این وقت بر میانه بود احوال اما بعد از نه ماه دیگر طالع

شما بسیار قوت گیرد و از جانب بزرگی شغلی عظیم روی نماید

و قوه در ستاره شما بهم رسد و شما بر حسودان غالب شوید و

چیز خوبی از دست شما رفته بسیار متفکر و منقلب احوال میباشید

اما باز بدست خواهد آمد و میباید که تحقیق حرکت شما روی دهد

البته فسخ بکنید و مرو که پشیمان خواهید شدن اگر غیر از زیارت

باشد و خداوند این طالع بعضی بر سینه یا بر گردن نشان

دارد خال باشد از نشان بزرگی بود و از سودا و معامله

سود بود و خرید و فروخت او نیکو بود و حرف بدی از

کسی نشنود زود رنج باشد و زود خوشنود شود و صحبت فضلا

دست دارد اما اندکی تنه طبیعت بود و از جانب یک نفر نامی منتفع شوی و بر چیزی با شخصی منازعه کنی و بر او غالب آیی و از یک بزرگی بتو نفع خواهد رسید اما از برای غایبی هم خوشنود شوی و از شخص دایی زاده که نشانی در صورت داشته باشند مثل زخمی یا آبله اجتناب کنی که او دشمن تو است میخواهد که مکر و حیله در کار تو بکنند و در میانه شما را نیکوی بینند و از روزها روز چهارشنبه و از ماه‌ها ماه ربیع الاول او را نیکو بود و اگر سبز در بزرگی بجهت حاجتی برود بر دست راست وی قرار گیرد تا مرادش حاصل شود و میباید که دعای عظیم با خود نگاه دارد تا از همه بلاها ایمن باشند والله اعلم بالصواب

پنجم فرح

بیت

چون بطالع فرح پدید آید — بشارت همه امید آید
ده و یک خانه اش مقام بود — همه امید تو تمام بود
برج او حوت کوکبش ناهید — گرم و نرم و برنگ زرد و سفید
بادی و غربی است حیوانی — نیست در کار او پریشانی
عدد او بخانه اول — جز یکی نیست از حروف جمل
که دوام خواهش ز جمع مزاج — دارد ایمن ز روز و شب معراج

عیش شاهی همیشه طالب اوست | باجابت همه مطالب اوست
قامت او کشیده رخ چو ماه | ابروی او کمان و چشم سیاه
عاقل و کامل است تا فراو | دارد از همه ربیع الافراد

آنچه موافق این رمل است از قول دانیال پیغمبر ع دلالت میکند
بر خرمی و خوشنودی و بر آمدن امیدها و آرزوها و عیش و در
حرکت بودن بسبب کار بار شغلے و عملی و رسیدن تحفها و
هدیه‌ها بسیار از جانب دوست و آنچه مدعا و مطالب
باشند بحرکت و تردد بیطرف در آید و مراد حاصل شود
و از یکان موزیکی و ره خصلت خوشنودی و امیدوار
شدن و صحت داشتن و بدست آمدن زر و پول نقد
و بهره مند گردیدن و نفع یافتن بسبب چیزهائی که مژده
دهنده باشند و از غم و اندوه بیرون آمدن و خلاص
یافتن از دست تنگی و دل تنگ و میبینم که تند طبیعت
و تنگ حوصله میباشی و زود از جا بدر میروی و مردم
از خود بید ماغ میکنی پس میباید که نرمی و مدارا پیشه
خود نمائی و هیچ کس را دل شکسته نمائی و حرف سخت

بگمان نکوئی که خیریت شما در آن است و گویا نشانی از جهه
داری که آن نشان نیک بختی بود و چنین مینماید که
در این اوقات شما را از جانب دوستی خوشنود شوی
شاید که در این وقتها حرکت نزدیکی بکنند و منفعت
ببیند و میباید که در کارهای خود شتاب نکنند و خداوند این
کوکب در نظر بزرگان باعزت و باحرمت باشد و دلیل
بود که پای رنجش و گفتگو و کدورت در میان شما
و شخص بلند بالای گندم گونی و پیش چشم ظاهر گردد
و حرفهای ناخوش زده شود پای اهل شرع و قبیلهٔ بزرگی
در میان آید و نوشته جات و گواهی چند بحضور رسد ولیکن
ازان شخص که حرف ف در اسم او باشد خوشنودی شما برسد
و از جانب دوستی یا فرزند امیدوار گردیده و مراتب افزونی
شما بدرجهٔ اعلا برسد و خداوند این طالع هر چند بزرگتر
شود کارش بالا گیرد و صاحب این طالع را از چشم زخم بیم بود
و از جانب دشمنان ایمن مباش و ظن غالب آن بود که
سحری در بابت شما بکنند و از مکانهای فاضل احتراز کنند

مثل مسجد و حمام بی نام خدای تعالی نباشد و در آیینه نگاه
در نهایت خرمی ببینیم و میباید که از جامهای سفید و انگشتر
در و بلور و یاقوت برشتی مبارک باشد و چنین ماه نو ببیند
بروی مصحف نظر کند و چنین در مجلسی داخل شود بی نام
خدای تعالی نباشد و دعای عظیم الشان همراه خواند که دارد
تا از همه بلاها ایمن گردد انشاء الله تعالی والله اعلم بالصواب

شکل ششم عقله

عقله در زمانی چون رسد بنظر — میدهد او ز هر کنج خبر
برج او دلو گو کتش خورشید — گرم نرم است همچو زرد و سفید
او بتش در دهم کهی تقسیم — پنجه و پنج داده مرد حکیم
حرف او زاء در شمار در چهار — روز شنبه مزاج اوست مدار

آنچه موافق این رمل است از قول دانیان پیغمبر صلعم دلالت
میکند بر پریشانی و ملالت خواهی و سستی و ضعف و منقلب
احوالی و خداوند این طالع طالب چیز ابلا که بسیار مشکل
بود و امیدی در دل داشته باشد که در آن امید سرگردان
و مضطرب و دل حیران باشد و هر دم و هر ساعت

تکری وخیانی مینماید که آخر الامر این منظور من بعمل میاید
با خیر پس میبینیم که بعمل بیاید و دلالت میکند که از
اهل علم انتفاع بشما برسد واراده حرکتی نیز بخاطر
داری اگر زیارت باشد حرکت بکن که مناسب حال شما
نباشد واز جانب فرزندی خوشنود بکوی واز قدم غایبی
خرم شوی واگر کسی بنزد شما بیاید پولی یا جنسی خواهد که
امانت بگیرد یا قرض کند باید نبهی چرا که باعث
نقصان باشد وچنین مینماید که در این وقتها از جنس
حیوانی یا جنس حرارت آتشی دیده از مقام وی ببرند
وبسبب آن چیز قلیل برهم خوردکی بمزاج شما بهم رسد
وچیزی بتصرف شما درآید ورنجوری در این مدت بشما روی
دهد ولیکن عاقبت بخیر بود وعلامت او در شکم باشد
وبسبب اندک سرزنش که پیش از این رسیده باید
اعتراض کنی واز جانب شخصی کوتاه قامت وبزرگ بینی
که علامت آنکه یا زخمی بر صورتش باشد یعنی زن سفید

موی ایمن مباش که او در پی مکر حیله است واز زیر
زمین ومطبخ یا چنین مکانها با احتیاط باش وسنگ
وچوب از دست مینداز که بیم هزاد بود واز جانب
شخصی که حرف عین در اسم او باشد خوشنود شوی والحمد لله
هیچ خوف وخطر در طالع شما نیستم ودر این سال آینده
طالع شما لانیک ولاصحت بیبنیم وچون ماه نوبنی بر
روی مرد مؤمن یا بر دست لاات خود نظر کن تا مبارک
باشد وچون بنزد بزرگی بطلب حاجتی ومطلبی بروی بطرف
لاست وی قرار گیر تا بر تو مبارک باشد واز لباسهای
سرخ وعنابی واز انگشتر یمنی واز ماهها ماه شعبان واز
روزها روز سه شنبه وچهارشنبه در طالع شما نیکو بود وصاحب
این طالع باید که همیشه دعای باطل السحر عظیم همراه خود نگاه
بدارد تا از همه بلاها ایمن باشد ان شاء الله تعالی واللّه اعلم بالصواب

هفتم انگیس نحس

اندر این فال ما نغز ببینم ترس خوفی بطالعت بینم

لیک پیرات آیدت بر دست | در بر غیر هم سرآید جهت
بتصرف درآیدت مالی | که شوی بر جماعتی والی
بعد ازین نیک گردد احوالت | خیر بینی ز مال و اموالت

انچه موافق این رمل است از قول دانای سخن دلالت میکند
بر ترس و خوف و رنجوری و اندیشهای خطا و فکرهای ناصواب
در دل داشته باشی بجهت رازی و میراثی یا چیزیکه در
ید تصرف غیری بود اما هیچ خوف و اندیشه بخواطر خود راه
مده که آنچه منظور شما باشد آخر الامر حاصل شود در این وقتها
می بینم که شخص غریبی با شما گفتگوی کند شما احتراز کنید
یا بسبب مالی یا امانتی که در نزد او بود باشد اما شما
با او غالب آئید و دیگر از جانب زن سیاه چهره که علامت
زخم بر پا داشته باشد ایمن مباش که او مکر در کار شما
بکند دیگر می بینم که خبری در این وقتها بشنوی و مایوس شوی
ان خبر اصلی ندارد و در این نزدیکی اگر تکلیف حرکت
نمایند یا بامری باید قبول نکنی اگر زیارت نباشد و اگر
امر خیری باشد بروید که باعث خوشنودی شما خواهد بود

و بعد از آن بزرگی شما و یاری تکلیف نماید البته قبول
نمائید که باعث خوشنودی شما خواهد بود و صاحب این
طالع گاه گاه در دهلت وارد میشود و یک بار بتصرف
او در آید که از همه رنج و مشقت خلاص شود و خداوند این
طالع نشانی دارد بر طرف راست و آن نشان نیک
بختی بود و میباید که سنگ یا چوب اندک جراحت رسیده
باشد که هنوز علامت او باقی باشد و دیگر میباید که
از مکانهای تاریک که گذر میکنند بی نام خدا تعالی نباشند
که اثر همزاد ملاحظه مینمایم و قران شما در نه سالگی
و پانزده سالگی و بیست سالگی بود و چون از اینها بگذرد
عمر وی به هشتاد سال برسد و جاهای آبی و نیلی و از انگشترها
در و یاقوت و از ماهها ماه رجب و از روزها روز شنبه
و چهارشنبه و چون ماه نو بیند بر روی مادینه نظر کند و
خداوند این طالع دعای چشم زخم با خود نگاه دارد تا از
همه بلاها ایمن گردد ان شاء الله تعالی والله اعلم بالصواب

هشتم حسن

حمره در طالعت چه اثر دارد — همیشه کار بار تو نیکو
نیک با شخصی در مقام عناد — بنیمت اندکی تو ناشاد
بیت روز تو دیگری بجهان — همیشه شاد و خرم و خندان
حرکت خوب نیست از تو وا — که پشیمانیست و رنج و عنا
قوه طالعت نکو باشد — اعتبارت به آبرو باشد
انچه موافق این رمل است از قول دانیال پیغمبر ع دلالت میکند
بر قوة اما ترس و خوف در اموریکه مشغول میباشد که آیا
احوال و عاقبت در این اراده چگونه خواهد بود باشد یا
آنکه خوف از جانب شخصی داشته باشی و دل بستگی داشته
باشی اگر ترک این اراده بکنی بهتر است و اگر در این
اراده ثابت قدم باشی دست باز نداری میبینیم که از
برای تو هنگامه روی دهد که باعث ملال و کدورت شما
باشد و بعد از این میبینیم که گفتگو و نزاعی در میان
شما و شخصی پیدا اید وان گفتگو بیفایده بود پس میباید
که احتیاط ملک بکنی واو را ملاید باغ نکنی که خیریت شما
در آن است و اگر شخصی بیاید شما را بمکانی یا حرکت

تکلیف نماید باید که اعتبار بقول او نکنید که مناسب
نیست و دیگر کسی که زیردست و خدمتکار شما باشند
عنقریب باشد که چیزی از مال شما ببرد و بعرض
تلف برساند و بعد از این می‌بینم بسبب غایبی یا از
شخص سرو سفید روی خوشخو کوی و طالع شما بسبب آن
قوه گیرد و بمقصود برسی و خداوند این طالع میباید
که از روزها روز سه شنبه نزاع و گفتگوی با کسی نکند
و در این روز حذر کند و از دشمنان پرهیز کند و قران
ولی در این روزها است و کارد و حربه در این روزها
با خود نگاه ندارد که او را جراحت از فولاد یا آهن
روی نماید و قران ولی در پنج سالگی و پانزده سالگی
و بیست و پنج سالگی بود چون از اینها بگذرد عمر وی بهفتاد
سالگی برسد اما دشمن شما بسیار باشند که مکر حیله در کار
شما میکنند البته سحر او را از خود بکنی و تعویذ چهل کیش
حضرت سلیمان را با خود نگاه دارید تا بمطلب برسی و شاید

کرسته صیغه و خطبه حرفش زده شود اما یک بخت بسیار
نعمت مشاهده خواهی کرد و دیگر چون ماه نو ببینی بر لعل
نظر کنی و مرجان هم خوب است تا بر شما مبارک باشد
و چون بر مجلس داخل شوی بر دست چپ بنشینی و از جامهای
سرخ و ارغوانی و از انگشترها در و یاقوت شما را نیکو باشد
و بسبب یک نوشته جات خرم و خوشحال کنی و صاحب
این طالع را از چشم زخم حسودان بیم بود که میباید
دعای گنج العرش را همراه خود نگاهدارد تا در امان خدا
باشد انشاء الله تعالی والله اعلم بالصواب

نهم بیاض

بیاض آمد تو را در نقش این فال همه کار تو نیکو گردد امسال
از این نیت ذلیلت شود ور حسود دشمنت باد مقهور
نظر کن که این طالع برآید بکار با را د نیکو برآید
از این نیت شود مقصود حاصل کنی تو مدعای خویش باطل
آنچه موافق این رمل است از قول دانیال پیغمبر ع دلالت میکند

که بیاض نقال شما بر آمده است تعلق بستاره قمر دارد و برج
سرطان و در چهارم بکنا دارد و در اول شرف و در پنجم
قوه دارد و در هفتم اوج و در شانزدهم ضعف و در
نهم عدد و فرح دارد دلیل است بر قوة مزاج و اعتدال
طبیعت و رسیدن باسایش و راحت و اتفاق افتادن
نقل و حرکت به اختیار و طالب چیزی بودن که از ید و
تصرف او بیرون رفته باشند و بسبب یکی یا دفینه یا
مالی که از ید ر باشد خوشنودی بشما خواهد رسید دل
خوشدار که آنچه موافق حال شما باشد از پیدا گذشت
و آینده احوال شما نیکو گردد و دلیلی از تو دور شود و غنچهٔ
مراد تو شگفته گشت و سرانجام کار تو بامان برسد
و می بینم که در این نزدیکی از جانب شخص بزرگی خوشنود
شوی و دوستی و محبت زیادی در میان شما و او روی دهد
و شما با شغل و عمل مشغول گردانند که منافع بسیار داشته
باشد و فیض زیادی بشما برسد و دیگر چنان معلوم میشود
که مدت مدیدی باشد که اندک بستگی در طالع شما

بهم رسیده و امیدی در دل داشته باشی که آن امید
در این وقت تعویق افتاده لیکن در این وقت بسبب
شخصی که بشما متعلق شود چنانچه دلخواه شما باشد میسر گردد
واما بواسطهٔ یک کاغذی و نوشتهٔ و از جانب شخصی که حرف
نون در اسم او باشد خرم شد کهای و جمعیت بسیاری
پیدا کنی اما شاید که حرکت نیز واقع شود از مکان بمکانی
و بسبب آن خبر خوشی و شادی بشما برسد خداوند این
طالع از کنارهای آب و پای درختان بزرگ بیم بود
و از جانب شخصی فربه تنی سفید رنگی که میلش بزردی یا
بسبزی زند و بیهوده خنده بود باید احتراز کنی که بد دیگری
اراده دارد که شما را بعمر که اندازد از راه عداوت
بحرانی یا مکری در حق شما نماید و میان شما و نا خوشی بهم
رسانند و گویا بکانی از تصرف شما بیرون رود و شاید
که بیماری روی دهد اما هیچ خوف و خطر در طالع شما
نیست و مستقبل احوال شما در خوشی و سعادتمندی و
خرمی است و خداوند این طالع را از جاهای سبز و الوان

وانگشتر فیروزه واز ماهها ماه محرم واز روزها روز جمعه
وشنبه واز چهارپایان اسپ شکافته وچون ماه نو بیند
در آب روان یا مروارید نظر کند وچون بنزد بزرگی
رود روی بقبله بایست تا مراد تو حاصل شود وخداوند
این طالع باید که همیشه دعا همراه خود نگاه بدارد تا
از جمیع بلدها وآفتها ایمن شود والله اعلم بالصواب

شکل دهم نصرة الخارج سعد

طالعت شکل نصرة الخارجه خصال — اندکی سست بینم اندر فال
در بلا صبر کن چنان ایوب — یافت مطلوب خود از این معنی
چون سلیمان اگر تو صبر کنی — میرسی عاقبت بجاه جلال

آنچه موافق این رمل است از قول دانیال پیغمبر ع دلالت میکند
که نصرة الخارج بطالع شمس برآمده است سعد اکبر است ودر سیم
ملکی دارد وپنجم نظر دارد وهفتم شرف دارد ودر
نهم ثبوت ویازدهم فرح دلیل است بر رفق مزاج و
اعتدال طبیعت ورسیدن وآسایش وملاحت وافتادن
نقل وحرکت اما تعلق بآفتاب دارد وکیفیت احوال تمام

دلالت میکند که گاهی طالع شما در ضعف وگاهی در قوة وچنان
معلوم ومفهوم میشود که نقصان شما روی دهد ومحزون
وغمگین شوی بسبب دوستی یا هم نشینی که از شما کار افتاده
دو وقتهائیکه خالی مانده و دعوائی در میان شما وشخصی
روی دهد یا رسیده باشد بسبب ملکی یا مکانی و دعوائی به
بید ماعی نرسد و شاید که شما با و غالب آئید اما هر چیزی
که بکسی دهید تا سرانجام کار به بید ماعی نرسد نمیتوانی
گرفت وبا هر که نیکی کنی در عوض بدی کنند وظن غالب
آنست که در آنمکان که شما میباشید شخصی ناپاک سفید
چهره که میلش بزردی یا بسبزی زند وهرزه خند بعد
میخواهد در میانه شما ودوستی را نزاع افگند یا شمارا
از مکان خود آواره سازد وبسیار مکر وحیله مینماید و
سحر میکنند البته میباید که از جانب او احتیاط کنی ودفع
کنی سحر خود را از دستی طالع شما بیشتر از جهت سحر
او است اگر نه طالعت در باطن قوه عظیم دارد ودیگر

میبباید که مالی یا میراثی بتصرف شما درآید و دیگر از جانب
غایبی که مدتی باشد در سفر چند روزی خبری از جانب او
بشما برسد ولیکن از نزدیکی که بالاخانه بوم باشد احتیاط کنید
که مبادا چیزی از پی شما بزنند و در دادن خیرات و تصدقات
تقصیر ننمایند و حرز یمانی همراه خود نگاهدارند تا از همه بلاها
محفوظ باشید و آنچه مدعای شما باشد بعمل آید و چنان مشاهده
مینمایم که شما را بتحقیق حرکتی نزدیک خواهد بود و در آن
حرکت چیزی از دست تو رفته باشد باز بتصرف شما در آید
و خداوند این طالع را از چشم زخم بیم بود و درد پشت
و درد شانه و درد کتف اکثر اوقات عارض شود و
مینماید که برادران و خواهران پاک نیک که بمنزل ایشان
باشد بیدماغی روی دهد و عاقبت بصلح انجامد و الحال
خوابهای آشفته می‌بینی و خواطرت نمیماند و بعضی در خواطرت
نمیماند ولیکن زود باشد که خوابی ببینی و بسبب آن خواب
دوستانی در طالع شما بهم رسد و از مرد بزرگی نام انتفاعی

بشما برسد و در آخر کارت بدرجهٔ اعلا برسد و گره از کار
بسته ات بگشاید و خداوند این طالع بچهار صیغه خطبه
حرفش زده شود و از جانب فرزندان خوشنود شود اما
فرزندانش با وی وفا نکنند و گویا تلف شوند و صاحب این
طالع گشاده دست بود و صاحب مروت و بزیردستان
شفقت داشته باشد و میباید که در روز چهارشنبه بیرون
نشوید و در حمام چرک نکند که از جانب جن همزاد اثر یک
مینماید و قران وی در چهار سالگی و چهارده سالگی بود
و چون از این بگذرد عمر وی بهشتاد برسد و چون در مجلس درآید
بر دست راست بنشیند و از لباسهای سفید و زرد و سیاه نیکو بود
و از نگین ها در و بلور و فیروزه و از چهارپایان ماده سم
شگافته و صاحب این طالع میباید که بی تو نه نباشد و دعا
با خود نگاه دارد تا از جمیع بلاها ایمن گردد و الله اعلم بالصواب

یازدهم لفرة الداخل سعد

طالعت گوهر انجمنه خصال تا رسد کار یار تو بکمال

بیت ثانی عشر نکان دارد   سعد و لاحت نشان ازان دارد
برج او حوت کوکبش خورشید   گرم و نرم است و ماده است و سفید
آبی است نبات و شیرینی   سرد و ماده است و سعد بتحقیق
موضعش بوستان قصر بلند   هست زنان سان ادیب و دانشمند

آنچه موافق این رمل است از قول دانایان عجم دلالت میکند بر خرمی و خوشنودی بر قوه ستاره و رسیدن خبرهای خوش و بر آمدن امیدها و آرزوها و رسیدن غایبان و مدد یافتن از جانب فرزندان و از جانب خویشان و نجات محبوسان و از غم و اندوه بیرون آمدن از جانب فرزندان و امیدوار گردیدن و بمطلوب رسیدن چنان مفهوم و معلوم میشود که در میان شما و شخص در این وقتها با تجار دوستی بهم رسد یا رسیده باشد و از جانب آن شخص خوشنودی و شاید که ملکی یا مکانی بتصرف در آید و بسبب شخص باز هم خوشنود شوی و جمعیت زیاد بهم رسانی و اما گفتگوئی بینی که میان ما بین شما و آن شخص روی دهد اما بعد بصلح انجامد و از آن

روز تا بیست پنج روز دیگر بسبب یکی از نیکی خوشنود شوی و از زن
رضیه یا مرضیه نامی حذر کنی و در این وقتها اراده مکانی کهنه
و خواهی هم که بیاید که در این حرکت چیزی به تصرف شما در آید
و دیگر از جانب شخص میانه بالائی و ابرو سیاهی بینی بر آمده
ایمن مباش که چنین شخص درباره شما مکر و حیله میکند و میخواهد
در میانه شما و جمعی را بمنازعه اندازد و هنگامه بر پا کند
و امانت را که مکن و امانت را قبول مکن و ضامن کسی مشو
که پشیمان میشوی و از جامهای الوان و از خاتمهای عقیق و فیروزه
بر شما مبارک باشد و چون ماه نو بینی بر روی عقیق کن و چون
بطلب حاجتی بیرون روی بر دست چپ بنشینی و باید صاحب طالع
دعای حفظ همراه داشته باشد تا محفوظ باشد والله اعلم بالصواب

دوازدهم عتبة الداخل سعد

چون در طالع در آید عتبه داخل شود مقصود و مطلوب تو حاصل
هر آن چیز که آن مقصود باشد طلب کنون بزودی خوب باشد
بیرو و جمعه کوی شنبه و حرم   به چیزی کل تو از گلزار کرم

بیاید غایب و مال که خواهی   برآید حاجت از لطف الهی
بروز جمعه تا شش روز دیگر   شود هفتم همه کارت میسر

آنچه موافق این رمل است از قول دانیال پیغمبر ع دلالت میکند
بر ملالت خاطر و پریشانی احوال و ترک کاری که اراده کرده
هیچ غمگین مباش که عاقبت کار شما بخیر شود و یک چیز جزوی
که از دست شما رفته است انشاءالله باز بدست شما بیاید
و هر چیز که طلب نمائی مشکل بدست آید و الحال خوابهای
آشفته می بینی آن بسبب سحر است که از برای شما کرده اند پس
میباید دفع آن سحر را بکنید و دعای باطل السحر با خود نگاه
دارید تا از همه بلاها ایمن گردی و بمراد برسی و دیگر شما را
که درین وقتها تا خوشی یابید غمی از جانب کسی بمزاج
شما رسیده الحمدلله بر شما خیر گذشت اما یک دعوائی در
میان شما و شخصی روی دهد و درین وقتها حرکت بی
اختیار واقع شود اما تا توانی حرکت مکن که باعث نقصان

شما خواهد بود در میان شما از دوستی که حروف علی در
اسم او باشد ایمن مباش که بدی شما را میگوید و احتراز کن
و در نماز هم کاهلی مکن که دیگر اجر بشما برسد و در فتح
و فیروزی بر دست گرفتن بگوید و دشمنان خوار ذلیل
کنند و آن چیزیکه از دست رفته سراغ بیابید و سر
رشته گمارت بدست آید اما از جایهای تاریک و آتش
افروزنده احتراز کنید و بی نام خدایتعالی در آنجا گذر
مکنید که همزاد داری مبادا شما را اذیت برسانند و خداوند
این طالع را ساز گار بود از لباسهای الوان و از ماهها
ماه ذیقعده و از روزها روز شنبه و از جامهها یاقوت
و فیروزه و چون ماه نو ببیند بر روی آیینه نظر کنند و چون در
نزد بزرگی روی در برابر او بنشینی تا حاجت روا شود
و قران دلو در چهار یک و نه سالگی بود چون از این
قرانها بگذرد عمر او هشتاد سال برسد عبدالله هلال گوید
که صاحب این طالع بیاید چهل اسم اعظم را همراه خود نگاه دارد

نگاه دارد تا از همه بلاها ایمن گردد و ستاره طالع
او قوه گیرد از برج نحوست بدرجه سعادت برسد
و از بلاها محفوظ باشد انشاء الله تعالی والله اعلم بالصواب

سیزدهم عتبه الخارج نحس

چه در طالع بر آید عتبه خارج گشاید بر تو هم باب معارج
آنچه موافق این رمل است از قول دانیال پیغمبر صلعم دلالت
میکند که زهره بفال شما بر آمده است و زهره نوازنده
فلک الافلاک است و از روز جمعه تا سی روز دیگر خرم
شوی و از این روز بعد از غمهای شما بخوشحالی برسد
و از شخص سفید روی نرم اندام کام یابی و این فال
دلیل بود بر تن درستی و ایمنی بودن از خوف و سرافرازی
یافتن از بزرگان و اهل طرب و منتفع شدن در هر
خیری که ابتدا نمائی و بتصرف در آمدن وجهی یا مالی
یا نوشته یا کاغذی که بسبب یکی از اینها خوشنود شوی
ولیکن از جانب شخص دراز قدی احتراز کن که آن شما
دوستی میکند اما بدل دشمن باشد و در مخفی مکر و حیله

سکینه و میخواهد که شما را از نظر بیندازد البته با احتیاط
باشی که در پی آنست که نقصانی بشما برساند و گویا
شخص دیگر هست که باراده خواستگاری بشما برزند و شما را
بد می‌آید البته نصیحت او را بشنو که از جای خبر خوش
بشما برسد و در این وقت هر کجا بعزم میهمانی وارد
شوی احتیاط کن و باک مخور از آتش و در این نزدیکیها
قوه کثیره بشما خواهد رسید و از جائی که خبر نداشته باشی
یا از فرزندان یا از خواستگاری امید وار گوی و از جانب خدیجه
یا سکینه نام شیر گوی و خداوند این طالع خواب زد
از جامهای سفید و از نگین که در و بلور و حدید و از ماهها
ماه ربیع الاخر و از روزها روز جمعه و از چهار پایان
گوسفند و چون ماه نو بیند بر نقره نظر کند و چون نزد بزرگی
رود در برابر او بنشیند تا کارش بمراد گردد و دو قران
و یک بد و سالگی و شش سالگی و پانزده سالگی بگذرد چون
از اینها بگذرد عمرش به نود سالگی برسد و خداوند این
فال باید که همیشه دعای عظیم الشأن با خود نگه دارد تا از

بلاها ایمن کردد انشاء الله تعالی والله اعلم بالصواب

پنجم چهاردهم نقی

نقی الخد چه در طالع درآید | ز اندوه غم و شادی فزاید
برآید مدعا یکسر ازین فال | بروی تو در شادی کشاید
بیابد سرفرازی از بزرگان | همیشه عزت و دولت نماید

آنچه موافق این رمل است از قول دانیال پیغمبر دلالت میکند بر صحت و سلامت بودن شما و از بزرگان نیکویی دیدن و شروع کردن با مور خیر و از جانب برادران و خواهران و خویشان خوشنودی دیدن و آنچه که مدت مدید نیست در طلبش بودی درین وقتها بدست شما میآید و لیکن میباید که شما سعی بکنید تا کار مدعا کرده و بواسطهٔ مرد صالحی امیدت برآید و از جانب شخصی پیر مرد و زن بلند بالای فرح و شادی بینی و بجهة چند نوشته کار تو بالا گیرد و از جانب شخص ضایع روز که در مکان شما هست و آمد و شد میکند ایمن مباش که مبادا چیزی از مال شما را بعرض تلف برساند یا

کار

یا آنکه میانهٔ شما و دوستی نزاع افکند دیگر مینماید که
شما بعد از این در مکان دیگر رجوع شود و در آن
مکان چند نفر بشما امداد نمایند و شاید هم مالی بتصرف
شما در آید که باعث افزونی قرابت شما بود و مستقبل
احوال شما در نهایت خوبی میگذرد و قران وی در سه
سالگی و ده سالگی بود و چون از اینها بگذرد عمر وی بنود
سال برسد و خداوند این طالع میباید که در نمازها
کاهلی نکند و امور خیر بکند و هر گناهی که کرده باشد توبه
کند تا کارهای بستهٔ او گشاده گردد و از لباسهای سبز
و عنابی و از نگینها عقیق برای او مبارک است و از ماهها
ماه رجب و از روزها روز جمعه و خداوند این طالع را
از چشم زخم زنان بیم بود میباید که همیشه دعائی با
خود دارد تا از جمیع بلاها ایمن باشد والله اعلم بالصواب

برج پانزدهم اجتماع مریخ

اجتماع آمده است در ثالث بعد از این نیک گردد احوالت
مینماید که در جهان باشی از بد خلق در امان باشی

کام دلرا بیابی از افلاک   لیک پیش آورد غمهای بابک
حالت بخت یاورت گردد   خرم شد خاطرت گردد
انچه موافق این رمل است از قول دانایان پیغمبر دلالت میکند
که اجتماع بغایت تمام بر اشده است و تعلق دارد بعطارد و عطارد
نویسنده فلک الافلاک است و بر جیس جو زا است و در ششم از دایره
عکس دارد و پانزدهم هم عدد دارد و در دوازدهم
طلوع و در هفتم شرف دلیل بود بر کثرت خرمی و خوشحالی
در کاری که ابتدا می نمایی و تصرف در آمدن درستی بالای
یا نوشته که بسبب یکی از اینها خوشنود شوی و از جانب
اهل قلم و بزرگان منفعت دیدن و صاحب این طالع
بر بازو یا بر ساق ادنشانی بود ان نشانه خوب بود
و از جانب اسمعیل یا جعفر نام احتیاط کن که در زبان
و است تمام است و بدل دشمن اما از محمد و رحیم و مریم نام
بسیار خوشحال میشوی و مینماید که در بعض اوقات متفکر
و غمگین باشی اما بسبب غایبی همیشه متفکر هستی یا همچو غم
و اندیشه بر خود راه مده که انچه مدعای تمام به باشند

اخرالامر انچنان خواسته میبینم که بسبب نوشته جاتی
خوشنود وخرم شوی وشاید که از حیوانات کوچک چیزی
بتصرف شما در آید واز جانب بزرگی سرافراز شوی
وظن غالب انست که اندک ناخوشی در مزاج شما بهم رسد
ولیکن الحمد لله بخیر بگذرد وبعد ازین هیچ خوف وخطری
در طالعت نمی بینم وچند سفر زیارت انشاالله خواهی رفت
ونفع بسیاری خواهی دید وقران شما در چهار سالگی و
شانزده سالگی وبیست یکسالگی بود چنین ازین بگذرد
عمر او بنجاه وشش سال برسد واز جامهای الوان زرد و
سبزگی واز خاتمها یاقوت وچون ماه نو بیند بر روی
مصحف نگاه کند وچون در مجلس داخل شوی روی بقبله
بنشین واز روزها روز دوشنبه واز ماهها ماه ذیحجه
وخداوند این طالع میباید که دعای ابو دجانه همراه
خود نگاه بدارد تا از بلاها محفوظ باشد والله اعلم بالصواب

شانزدهم طریقه

طريقت چنين بطالع بهشتي شد حصول مطلب تو اجعين شد

انچه موافق اين رمل است از قول دانيان پيغمبر دلالت ميکند

که حاسدي داري اما در پيش تو بيايد با مال و نعمت و

گويا ميبينم که باتفاق افتادن نقل و حرکت متردد ي

و کار در پيش تو ايک کرفت و چنان مينمايد که حاجتي

به شخص داشته باشي آن بخوشي و باساني برآيد و چنين

مينمايد که حرکتي شما را روي دهد و دران حرکت گره رشته کار

شما بکشايد و از جانب غايبي خبري بشما برسد و مينمايد که مکان

بزرگي شما را رجوع شود و دران مکان با چهار نفر ديگر

اتحاد حاصل کني و بعد ازان کار شما بمراتب بدرجه اعلا

برسد و گره از کار بسته ات بگشايد حرکت و سعادت روي

دهد و ان مطلب که در دل داري حاصل شود و قران شما

در ۳ سالگي و نه سالگي بود و چون ازينها بگذرد عمر

به شصت سالگي برسد و خداوند اين طالع از چيزها که از زمين

رويد با طالع باشد و از خريد و فروش با روزي باشد

وباید که صاحب این طالع بی تعویذ نباشد واز غافهای نقره
واز روزها روز سه شنبه وچند ماه نو بیند بروی هوا مینی
نظر کند تا بروی مبارک باشد والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوه والسلام علی افضل
المرسلین محمد واله وعترته الطیبین الطاهرین
اما بعد بدانکه حضرت صانع حکیم وخالق علیم جلت عظمته
خیر وشر ونفع وضرر بندگان را بهیچ مدان را بعلم وحکمت
ومقتضای مصلحت منوط ومربوط کردانید واحدیرا در
افعال واعمال خود بر خیر وشر ونفع وضرر مطیع واگاه
نکردانید وطریق دفع مضار وجلب منافع را بر هر یک
مخفی ومستور داشت تا انکه مهمات ومطالب خود را مستقل
نداشته توکل بر جناب حضرت عزت جل شانه نمایند
ودر دفع مضار وجلب منافع توسل از او جویند

از این جهت حضرت عزت و علا امر باستشاره و استخاره
از عقلا و اذکیا در کلام حمید مجید خود نموده و شاورهم فی الامر
در جمیع امور فرموده و طرق استخارات و تفألات بعضه
منقول از ائمه اطهار و فضلای اعصار در کتب و رسایل
بسیار مرقوم و مضبوط بوده و چون اطلاع یافتن بر چگونگی
مطالب و مآرب از خیر و شر و نفع و ضرر اغلاق و اشکالی
داشته و بعضی از مراتب علوم نصیب دانسته اند از اینها بی بهره
بوده اند لهذا بخاطر فاتر حقیر معترف به تقصیر محمد سلیم
آملی رسید که طریقه تفألی استخراج نماید که بر بعضی برادران
دینی ایشان نحو و اطلاع یافتن بر خیریت و شریت
مطالب و مقاصد خود که باعث اطمینان خواطر و تسکین
تشویش دل گردد و طریقه تفأل اینکه با طهارت باشد
و از روی صدق و اخلاص تمام سوره حمد را یکمرتبه
و سوره توحید را ۳ مرتبه بخواند و ۳ مرتبه صلوات

بر محمد و آل او ۳ ۳ واله بفرستد و ملاحظه نماید که مطلب

او در کدام یک از جدول است بعد ازان از روی

صدق و اخلاص نیت نموده انگشت بر یکی از خانهای

ان گذاشته ازان حرفی که انگشت گذاشته ابتدا کند

و چهار چهار بشمارد و حرف چهارم که بود در کاغذ علیحده

نویسد تا تمام شود بعد ازان از اول صفحه بشمارد

و بهمان طریق تا بحرفی که انگشت گذاشته است

و حرف اول صفحه که بود در بالای ان حروف

سطر اول بنویسد انچه بیرون آید عمل نماید

و یک مدعا که ۱۰ مرتبه و ۳ مرتبه تفأل ننماید

که موجب سخریه و استهزا اعات و عدم

وثوق و اعتقاد بر مصلحت و تقدیر حضرت

ایزد تعالی است باید رضا بقضای الهی بدهد

بانچه مطلب الهی اقتضا نماید از روی صدق عمل نماید

واين جدولها اين است

مقصود برمیاید یا نه

ز	م		ح	و	ى	ق	ص
د	ا	ص	و	ب	د	و	ل
م	ت	د	م	ق	ح	د	ق
ص	ا	ح	ص	و	ص	ا	و
د	ل	ص	د	خ	ش	ل	ب
و	و	ن	ط	د	د	م	و
ب	ب	ى	ل	ر	س	ش	ك
س	ع	و	ش	ي	ي	د	د

باین منصب میرسد یانه

ك	ا	ن	و	ا	ب	م	ز
ب	ن	ب	ب	ز	ي	ص	د
ن	ن	ب	ن	م	م	ت	م
ب	ب	س	ب	ص	ص	ي	ص
س	و	ي	و	ر	ت	ع	ب
ن	م	م	ع	ي	ن	ن	س
ا	ذ	ش	ر	م	ي	ي	ي
د	ي	د	ي	ن	س	و	س

در این معاوضه منفعت دارد یا نه

د	ذ	ت	ن	ر	ر	د	ف
ي	ي	ك	ع	ن	ن	ا	د
م	م	ي	ا	ع	ع	ن	ر
ا	ا	م	د	و	و	ع	د
ض	ض	ا	ي	ه	ه	و	ر
ن	ض	ض	ن	ف	ر	ه	ف
ع	د	ب	د	ب	ب	ه	ش
و	و	ت	و	د	د	ر	د

این خبر گرفتن خوب است یا نه

ا	ب	ا	ب	ي	ي	د	ض
ن	ق	ا	ا	خر	ي	ج	هو
ب	ن	ي	ر	ر	ا	ق	ص
و	ي	ب	ذ	ا	ن	ا	ق
ق	خ	ش	د	ع	ب	د	ر
و	ر	ا	ا	ص	ك	ي	ص
د	د	ن	ل	ق	ب	خ	ك
س	س	ب	ذ	ت	ت	ر	ب

این دعوی صلح انجامید یا نه

ب	خ	ت	ا	ر	ص	ر	ح
خ	م	ک	و	ص	ا	ا	ب
م	و	ي	م	خ	ب	ن	ص
و	ر	د	ا	د	ا	ع	ل
ع	و	و	ح	ا	ع	ي	ه
ل	ا	ب	ا	ب	ل	ه	ن
ب	ب	ت	ح	ش	ب	ر	ا
و	ش	س	م	د	و	ت	د

تعبیر این خواب خوبست یا نه

ت	ت	ا	ا	ع	ع	ي	ي
ب	ب	ن	ن	ي	ي	خ	خ
ر	و	ا	و	ه	ا	ب	ا
م	ي	ت	ب	ا	ن	ع	ش
ن	خ	ب	ي	س	ا	ي	ط
ت	ب	ر	ا	ک	ع	ن	ن
د	ک	د	ي	ي	س	ا	ب
د	س	ر	و	ه	ت	د	د

این دعوی بر خصم غالب شود یا نه

ب	ا	ب	س	ز	ي	س	ع
و	ن	ع	ي	د	ک	ي	ک
ي	ا	ب	ن	ت	ر	س	د
م	ا	ي	ف	ش	ز	ا	ا
ي	ا	ر	ي	ت	و	ت	د
ک	ن	م	ه	ا	م	ا	ن
د	ي	م	د	د	ا	ک	ا
ه	ي	ن	ر	د	د	د	د

ازاین سفری بیاید یانه

ز	ا	ب	ا	و	ز	ط	ز
د	ا	و	ا	ب	ي	ل	ي
ي	ن	ا	ن	ا	س	ن	س
ي	ف	ج	ف	د	ر	ا	ر
ا	د	م	ا	ز	ي	د	ح
ا	ر	ا	ر	ي	ب	ي	ن
ن	ي	ن	س	س	ا	س	ا
ف	ي	ف	ي	ر	د	ر	د

این سلطان عدالت کند یا نه

ا	ع	س	ا	ي	ا	ل	ر
ن	د	ط	ر	س	ل	ا	س
ل	ن	ن	ل	ط	ب	ا	ط
ا	و	خ	ا	ن	د	ر	ن
ع	ا	ع	ع	د	ي	د	ا
ا	ن	ا	د	ل	س	ل	ل
ت	ل	ت	ن	ک	ط	ک	ش
ن	ا	ن	و	د	ن	د	د

این تزویج واقع شود یا نه

ت	م	م	ت	ز	ف	ن	ز
و	ا	ا	و	ي	ک	ک	ي
ج	ح	ح	ج	ب	ب	ه	ب
ش	ب	ص	ف	و	ا	و	ر
د	س	ز	ا	ب	ا	ت	ق
د	ن	ن	ا	ش	ي	ب	ن
د	ب	ز	ج	ا	ش	ي	ا
ر	و	ر	م	ي	د	د	د

در این تزویج خیریت باشد یا نه

ا	ا	ت	ب	ي	ي	ر	د
ن	ن	ك	ن	ز	ز	ا	ي
ن	ن	ي	س	ب	ر	ن	ث
ا	ا	ز	ا	م	م	ن	ي
ي	ي	ب	ن	م	م	ه	ن
ن	ن	ت	ن	ت	ت	ر	خ
ب	ن	ب	ا	ا	ب	ا	س
ش	و	ش	ث	د	د	د	ن

در این سفر خیریت باشد یا نه

ا	ب	ت	ح	ي	ي	د	و
ن	م	ک	ک	س	ت	ا	ت
ف	ف	ي	ب	ر	ع	ن	ه
ب	ت	س	ت	ا	ب	ف	ر
م	و	ر	ا	ن	د	ب	ز
ف	ا	ه	س	ع	ي	ت	ک
ت	ن	ر	و	ب	س	ب	ن
و	ف	و	س	د	ر	د	ت

این سفر کرده میشود یا نه

ا	ب	ا	ا	ي	ا	ر	ر
ن	ي	ا	ا	س	ن	د	د
ف	س	ه	ه	ر	ف	س	ا
ص	ر	ف	ي	و	ا	ر	ن
ر	ل	ک	س	ت	ب	ن	ف
ن	ت	د	ر	ب	ه	و	ش
ز	ب	ن	ن	ي	ر	ر	ب
ر	و	و	و	د	د	د	د

دوستی کردن با این شخص خوب نیست

ا	د	ا	ا	ي	و	ي	ز
ن	س	ن	ي	د	ت	د	ن
و	ي	و	د	س	ا	س	و
ت	ي	ت	س	ي	ن	ي	ت
ک	ش	ز	ي	ر	خ	ب	ض
د	ص	ا	ر	ن	ن	ن	ر
ش	ش	ي	ن	ا	ا	ب	ب
ي	ي	و	و	د	د	د	د

این شخص تحصیل علم کند عالم گردد یا نه

د	س	ا	س	ر	ا	ک	ع
ه	ع	ر	ي	م	ي	س	ا
ه	د	ع	و	ع	ر	ی	ب
ل	ت	ک	ي	و	ح	ن	ف
ا	ل	ا	ا	م	ن	ض	ی
م	ص	د	د	ک	ی	ف	ه
ل	ب	ل	ب	ش	ا	ش	ا
ر	ش	و	ش	د	د	ر	د

خرید این مطاع نفع دارد یا نه

ا	ب	ا	خ	ی	ی	ی	ر
ن	ن	ن	ی	م	ف	م	د
ت	ع	ت	ن	ا	ب	ا	ا
ع	ا	ع	ی	ب	ش	ن	ن
ا	د	ق	م	ن	ا	ص	ت
ف	ی	ا	ا	ع	ن	ن	ع
ب	م	د	ب	ا	ت	ا	ه
ش	ا	ر	ت	د	ع	د	ر

خرید این ملک خوبستانه

ا	ا	ا	ن	ز	ز	ز	ف
ی	ی	ی	ع	ن	ن	ن	ی
م	م	م	ح	ل	ل	ل	م
ک	ک	ک	ص	ن	ن	ض	ل
ف	ف	ر	ش	ع	ع	ر	و
ه	ی	م	د	ا	ن	ی	ب
ب	ب	ب	م	ی	ی	ی	ش
ن	ن	ن	ق	د	د	د	ت

از این حبس خلاصی یابد یا نه

ز	ز	ب	ب	و	ح	س	ی
د	ب	ی	ر	ا	س	ا	ا
ر	خ	ر	س	ح	ل	ی	ط
ب	ا	ب	ع	س	ص	م	خ
خ	ی	ا	ل	ل	ن	ن	ا
ا	م	د	ص	ص	ی	د	ی
ی	ی	ر	ن	ا	ا	ح	ب
ب	ب	ب	و	د	د	س	د

از این مکان حرکت کردن خواست یا نه

ا	ا	ا	ث	ی	ی	ک	ا
ن	ن	ر	م	ن	م	ض	ق
ق	ک	ر	د	ل	ا	و	و
و	ن	ر	ر	ح	ح	ش	س
ر	ر	و	ت	ک	ک	د	ن
ت	ت	ن	ق	خ	ب	ق	ل
و	ب	ل	ن	ب	د	ک	ک
س	س	ن	ن	ث	ت	د	د

این کہ شد بدست آید یا نه

ک	ا	ی	م	ا	ب	ا	ک
س	ا	ک	د	ر	س	ن	ش
ی	ی	ش	ز	ع	ن	م	ه
ن	د	ه	د	ک	ب	د	و
ب	ت	ی	د	ی	س	ب	ب
د	ن	ا	ت	ی	ت	د	س
ش	ا	ش	ا		ی	ن	ت
د	د	د	د	و	ی	و	ی

در این سال گرانی باشد یا نه

د	ک	ک	د	ر	ر	ر	د
ی	ا	ا	ی	ن	ن	ن	ن
س	ی	ی	ا	ا	ب	ش	ا
ل	ا	و	ل	ا	ش	د	خ
ر	د	د	و	ز	د	ر	ب
ا	ر	ا	م	ن	ی	خ	ی
ی	ن	د	ک	ب	س	س	د
و	ا	ا	ر	د	ل	ل	د

از این شدت خلاصی یابد یا نه

ا	ا	ر	ھ	ز	ی	ف	ر
ی	ن	ع	ش	ن	ش	ن	د
ش	د	ش	ت	د	ت	و	ی
ت	و	ز	ن	ر	ی	ا	ھ
ا	ر	ی	ا	ح	ر	ن	ی
ت	ف	س	ت	ی	ع	خ	ی
ا	ب	ت	ذ	ب	ش	ی	ا
ن	د	ھ	د	د	ر	ا	د

در این کت شر منفعت یابد یانه

ا	د	ا	م	ز	ر	ی	ش
ی	ی	ن	غ	ن	ن	ش	و
ش	ش	ر	ل	ر	د	ا	ک
ا	ا	ک	ا	ک	ک	ت	ر
ت	ث	ز	ب	ن	ن	ی	و
ف	ف	ا	د	ع	ع	ن	ن
ب	ن	ز	ب	ی	ب	ا	ه
ن	و	ر	ت	د	د	د	ر

در تجارت منفعت یابد یا نه

ج	ر	ر	ز	ت	د	د	ا
ر	ن	ی	ج	ا	ی	ا	ت
ک	ج	ن	ر	ت	ت	ن	ا
د	ر	ا	م	ر	ا	ج	ت
ب	س	ت	ف	ن	ت	ر	ن
ت	د	ر	ت	ه	و	ض	ع
ب	ی	ب	ا	ر	ن	ر	ی
د	ت	د	د	و	س	و	ب

این بیمار صحت یابد یا نه

ا	ا	ب	ا	ی	ی	ی	ز
ن	ن	م	ا	م	م	ا	ی
ر	ر	ر	ن	ی	ی	ی	م
ض	ض	ش	ر	ز	ی	ب	ض
و	ر	د	ص	د	ص	ر	ح
ص	ح	ا	ت	خ	ت	ز	ن
ت	ی	ی	ی	ی	ا	ک	ا
ا	ب	ش	ب	ب	د	د	د

جنگ نصرت
دراین یابد یار

د	ف	ب	ص	ر	ت	ع	ل
ی	ح	د	ح	ن	ب	ا	ش
ج	ا	ز	و	ن	د	ش	د
ک	ش	ک	ا	ن	م	س	خ
ص	ن	ت	ر	ر	س	ف	ش
ت	ت	ت	ا	ب	ح	ح	ی
ا	ز	ب	ن	ت	ر	ا	ج
س	ب	ش	ن	ت	ه	د	ک

در این مکان سکنا کردن خوبست یانه

ا	د	ب	ا	ح	ر	و	ن
و	ی	د	ا	ا	ن	م	ی
ل	ب	ع	ن	ت	ل	ا	ب
و	د	ش	ل	د	ح	ت	د
د	ا	ب	ح	ت	ل	ق	ر
ر	ت	د	ک	ق	ب	ر	ت
ی	د	ک	ب	ب	ب	ف	ه
و	و	ا	ت	د	د	ف	ر

از حکومت معزول میشود یانه

ا	د	م	ح	ز	ر	ع	ک
ح	ی	ز	و	ک	ن	و	م
و	س	ا	ت	م	ل	ش	ش
ت	ل	و	ب	م	م	د	ط
ع	ع	د	و	ز	ز	ر	ل
و	و	ا	ا	ل	ل	خ	ن
ک	ن	ر	ج	ر	ش	س	ا
د	و	ا	م	د	د	ل	د

جاه و عزت میابد یا نه

ع	ج	ع	س	ن	ا	ز	ع
ت	ه	ت	ی	و	و	و	د
ج	د	ج	ب	ا	و	ا	ج
ه	ل	ه	ا	ت	ت	ب	ه
ا	ا	د	س	ف	خ	س	و
ز	ر	ت	د	و	ب	خ	ن
ن	ی	د	د	ش	ا	ا	ا
و	ب	س	ر	د	ی	ت	د

این کار از این شخص بر میاید

ک	م	ب	ک	ا	ی	ا	ا
د	ش	م	ر	ک	و	ی	ک
ن	م	م	ر	و	و	ن	ا
ب	ک	ت	م	ا	ا	ا	ا
م	ه	م	م	ی	ل	ا	ی
م	ک	ک	ش	ن	ا	ا	و
ت	ر	ه	م	ب	ب	ل	ب
ر	ر	س	و	د	د	ف	د

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح
۱	۲	۳	۴	۵	۶	ساقط	۸
ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع
۹	۱۰	۸	۶	۴	۲	ساقط	۱۰
ف	ص	ق	ر	ش	ت		
۸	۶	۴	۸	ساقط	۴		
ث	خ	ذ	ض	ظ	ع	لا	
۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴	۶	

در احکام بیمار بحساب ابجد

اول نام بیمار و مادر او را بحساب ابجد در آورد و دوازده دوازده طرح کند هرچند باقی بماند بگیرد یک بماند حمل دو بماند ثور سه بماند جوزا همچنین تا آخر دوازده برج بهمین نوع است

حمل صاحب این طالع را از پری یا جائی بر سر راه یا لب نهر و زیر درخت میوه دار آفت رسیده علامتش آنکه آشفته شود و حرف کسی نشنود و در خواب بیهوده گوید

و زنک او رنج شود فریاد کند درد سر و قولنج و حرارت در وی
پدید آید و اگر کودک باشد زبان بد و چشم زخم رسیده باید که
این دعا را همیشه از خود دور نکند بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم احفظ صاحب الکتاب من کل آفة ومن
کل عین لامة ومن شیطان هامة ومن الجن
والجنة وغول وغولة وساحر وساحرة
وکاهن وکاهنة اعوذ بکلمات الله التا
مات کلها من اسماء الحسنی وشر التامات
والعامه بحق انه من سلیمان وانه بسم الله
الرحمن الرحیم فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم
و آیه شفا را نوشته بشوید قدری بخورد و بر سر روی خود بمالد
طالع ثور دلیل کند بر اینکه جای ناساز گار رفته و از
زبان بد مضرت با و رسیده و از پریان آزار کشیده علامت
آنکه فریاد کند درد سر و درد چشم پدید آید لب و دهان او

خشک شود و صفرا غالب شود تصدق دهد و این دعا را با خود دارد تا شفا یابد

بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله التامات کلها

من اسماء الحسنی و من شر السامة والهامة و من

کل عین لامة و من شر الشیطان الرجیم و من شر

حاسد اذا حسد وایة الکرسی و ناد علی و آیه شفا

نوشته با گلاب بشوید بخورد و این طلسم را دود نماید در زیر دامن بیمار

اب ل ی س ش د ا د ف ر ع و ن ن م ر و د

طالع جوزا صاحب این طالع بیرات مقام او در قبرستان است

و کن را تیها روز دوشنبه در اینجا که گذر کرده وی را وافت رسیده اندام

وی درد کند و دهان وی تلخ است صفرا دارد چیز در خواب رود

چیزهای غریب و عجیب بیند این دعا را بنوید با کوزن فولادی همراه

خود نگاه بدارد تا بلا از او دفع شود انشاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم

ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة

ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار

یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات
بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین
وآیهٔ شریفهٔ شفا را بنویسد وبشوید بخورد شفا یابد انشا
سرطان دلیل کند که روز دوشنبه درخرابها وقبرستانها و
مکان چهار پایان گذر کرده وبه آفت رسیده دلیل انکه تمام
استخوانهای او درد کند این دعا را بنویسد با خود دارد شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله الکافی
بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء
فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم
وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمومنین
واین طلسم را هم درد کند شش دادن م ر و د و ع ن
اسد دلیل انکه از باد رسیده علامتش انکه آشفته
سخن گوید ودر خواب بیهوده گوید اگر کودک باشد از رنگ
ترسیده باشد وی این دعا را بنویسد با خود نگاه دارد

بسم الله الرحمن الرحیم یا معشر الجن والانس ان
استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والا
رض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان انه
من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی
واتونی مسلمین ما شاء الله لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم و آیه شفا بنویسد با خود دارد شفا یابد

سنبله

دلیل کند که بر سر راهها و کنارا نهها و خرابها بینی نام
خدا کند رنجه همه اعضایش درد سکند چنانچه تب شد ظاهر شود
بجدیکه خون از دماغش بیرون آید و آب از چشمش فرو ریزد چنین
خاب رود شیاطین او را چنگ زنند این دعا را با خود دارد
بسم الله الرحمن الرحیم قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا
ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلوتک
ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک وقل الحمد لله
الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له

شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره

تکبیرا واین طلسم را بنویسد حروف کنندم ر و د ف ر ع ن

ش د ا د **میزان** دلیل کند که در خرابها و کنارآبها

صاحب این طالع بنام خدا گذر کرده در روز سه شنبه و او را

تعب رسیده و نشان آفت او آنست که سر و چشم او درد میکند

و پشت و کمر او درد میگیرد و گوش گج شود لرزه بر اندامش

افتد حرارت عارض شود مزاجش غلیظ شود که خواب ندارد این

دعا را نوشته با خود دارد تا از بلاها محفوظ باشد ان شاء الله

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم احفظ صاحب هذا الکتاب

بحق انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم

الا تعلوا علی وأتونی مسلمین آیة الکرسی وان یکاد بنویسد

با خود دارد **عقرب** بدانکه علت وی در روز شنبه بعد است

در کنار آب یا در مکان چهار پایان این علت یافته است که نشست

پهلو و میان او درد میکند و رنج او از سردی وارد شده است

این دعا و برطشت بنویسد بشوید بخورد شفا یابد انشاء الله

بسم الله الرحمن الرحیم یا غفور یا ودود یا ذو العرش

المجید یا فعال لما یرید یا نور السموات والارض

یا ذو الجلال والاکرام یا غفور یا لا اله الا انت

تمروس سمرش علاهلاو یا صم بکم عمی فهم لا

یرجعون برحمتک یا ارحم الراحمین قوس

دلیل کند که در زیر درختان مضرت باو رسیده که دلهان وی خشک شود

و خوابی ندارد دعای نظر سید لابا این دعا با خود دارد تا شفا یابد

بسم الله الرحمن الرحیم ان ربکم الله الذی خلق السموات وا

لارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی

اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم

مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب

العالمین بحق آهیا شراهیا یا احد یا صمد یا فرد

یا وتر یا حی یا قیوم یا ذو الجلال والاکرام برحمتک یا
ارحم الراحمین بسم الله الرحمن الرحیم ج ج اج یا هیا شراهیا
یا سبوح یا قدوس یا رب الملئکة والروح سلم
طه المص یا علیم یا عظیم یا ودود یا رئوف
احفظ حامل الکتاب بحق محمد واله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

جدی همیشه پریشان احوال وسستی دارد گاه تب
شدید حادث کند که تمام اندام او درد میکند و در جای ناساز کار
رفته آفت و مضرت باو رسیده این حرز را با خود دارد تا ایمن باشد

بسم الله الرحمن الرحیم اعیذ صاحب الکتاب بعزة الله
وقوته من شر ما خلق ومن الناس وبرکة لا کاشف
له الا هو اعیذ صاحب الکتاب هذا بالله
العلی العظیم والملک القدیم بسم الله الملک السموات
والارض یخرج منها وتنزل من السماء ویخرج
فیها ومن شر الشیطان الرجیم ولا حول ولا قوة

الا بالله العلي العظيم وقل الحمد لله الذي لم يتخذ
ولدا ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا
برحمتك يا ارحم الراحمين يا جمحوت يا طوطيا يا حميد
يا مجيد يا غفور يا ودود يا حنان يا منان
يا فعال لما يريد يا نور السموات والارض يا مغيث
احفظ هذه الكتاب برحمتك يا ارحم الراحمين
دلو
٥٥٥٥٥ ه ٥ ١١١٤٤ ل ه
دليل کند که صاحب این طالع وقت مغرب در قبرستان کهنه یا در سر
چهار راه یا در زیر درخت بی نام خدای تعالی گذر کرده و او را از شیاطین
آثار رسیده بعد یکه تب سرد میکند و شب و کمر او درد میگیرد گاه گاه
لرزه بر اندامش میافتد این دعا را بنویسید با خود دارد رفع شود
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا ذو العرش الكريم والملك
القديم والعطاء العميم والصراط المستقيم بسم الله
الشافي بسم الله الكافي بسم الله المعافي بسم الذي لا
يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء

وهو السميع العليم برحمتك يا ارحم الراحمين يا عزيز
يا غفور يا هو يا من هو يا لا اله الا هو سبحانك
اني كنت من الظالمين بحق اهيا شراهيا برحمتك يا
ارحم الراحمين بسم الله الرحمن الرحيم يا معشر الجن وا
لانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار
السموات والارض فانفذوا لا تنفذون
الا بسلطان وانت خير الراحمين ١١١٤ محمد ١١١١ هے
برحمتك يا ارحم الراحمين العمل الساعة الوحا ه
حوت دلیل کند که صاحب این طالع یوم پنجشنبه در قبرستان
ومکان چهارپایان بی نام خدا تعالی گذر کرده است وضرر براو
رسیده که از درد هفت اندام سینالد از حرارت وصفرات
وازخاب بجهد سینه وحلق او بدرد آید این حرز ها با خود نگاه
دارد و چیزی تصدق بکنند تا شفا یابد ان شاء الله تعالی
بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله الملك الحق
المبين لا اله الا الله هو العلي العظيم ما شاء الله

و کان و مالم یشاء یکن و قل جاء الحق و
زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا یا محسن
یا مجمل یا مفضل یا ذو العرش العظیم و صلی الله
علی محمد و آله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین
بسم الله الرحمن الرحیم یا غافر ... یا ... عیال
یا طاهر ... یا کاشف قلوب ... الحق

١١١١ ع ٢ ١ ٥ ١ ع ٢ ١ ٥ ٨ ... لا و لا ...

... و انه اعلم یا هو
تعالی برحمتک یا ارحم الراحمین

و این طلسم را با تخم اسپند و خاک چهار راه در زیر دامن دود کند

٥ ١١١ ... ١١١١ ...

ایضا در معرفت مریض حمل

هر که بر طالع حمل بود در یکشنبه بیمار شود بیم مرگ بود و چیز از نه
بکند و شفا یابد **ثور** هر که بر طالع ثور باشد

روز سه شنبه بیمار شود زحمت او از درد شکم بود و چیزی هفته بگذرد شفا یابد **جوزا** هر که بر طالع جوزا باشد روز سه شنبه بیمار شود و او را درد معده بسیار باشد و چیزی از هشت روز بگذرد صحت یابد **سرطان** هر که بر طالع سرطان باشد روز چهارشنبه بیمار شود او را از درد شکم و درد سر بیم بود تا دوازده روز بگذرد بعد ازان شفا یابد **اسد** هر که بطالع اسد باشد روز پنجشنبه بیمار شود بیم مرگ بود تا چهارده روز بگذرد بعد ازان شفا یابد **سنبله** هر که بطالع سنبله باشد روز جمعه بیمار شده باشد از دیو و پری زحمت رسیده باشد چیزی از شش بگذرد شفا یابد **میزان** هر که بطالع میزان بود روز شنبه بیمار شده باشد تا ده روز بگذرد بعد ازان شفا یابد **عقرب** هر که بطالع عقرب بود روز شنبه بیمار شود بیم او تا ده روز بود چیزی از ده بگذرد شفا یابد **قوس** هر که بطالع قوس باشد روز سه شنبه بیمار شود تا هشت روز و ساعت

بیم بود چنین از این بگذرد شفا یابد **جدی**

هر که بر طالع جدی باشد روز چهارشنبه بیمار شود تا دوازده روز

بکشد و چنین از این بگذرد شفا یابد **دلو**

هر که بطالع دلو باشد روز پنجشنبه بیمار شود تا چهارده روز بکشد

بعد از آن شفا یابد **حوت** هر که بطالع حوت باشد روز

جمعه بیمار شود تا شش روز بکشد چنین از شش روز بگذرد شفا یابد

شرح قدح مغربی بخود کوار

روایت است از حضرت امیر المؤمنین ع و آنحضرت از رسول خدا ص

که فرمود از لفظ گوهر بار سید ابرار شنیدم که فرمودند در شب معراج

دران مقام که اورا سدرة المنتهی میگویند رسیدم دیدم قدحی

معلق آویخته از نور پرسیدم از جبرئیل ع که این چه قدحی است

که بزرگتر و عظیم تر از آن چیزی ندیده ام گفت یا رسول الله این

هدیه ایست که حق سبحانه و تعالی از برای تو و امتان تو آفریده است

که بهیچ پیغمبری نفرستاده است و این دعا هزار خاصیت

میباشد و این دعا را با اهل آن نیاموزید و دیگر آنکه

یا محمد هرکه این دعا را باعتقاد درست بخواند هر مطلبی که از خدای تعالی
طلب نماید بیشک برآورده شود و خاصیت دیگر آنست که این
دعا را هرکه مداومت نماید هرگز محتاج نشود و در نزد خدای تعالی
و جمیع خلایق عزیز و گرامی شود و خاصیت دیگر آنکه کار دنیای
او بسته شده باشد این دعا را سه بامداد بعد از نماز صبح بخواند
و بر گلاب بدمد و دست روی خود را بشوید البته که کار بسته او
گشاده شود و محبوب القلوب شود و خاصیت دیگر آنست یا محمد
هرکه را دشمن باشد و خواهد که دوست و مهربان شود این دعا را
شب در وقت خوابیدن که جمیع خلایق در خواب باشند یکمرتبه
بخواند بر عود خام و در آتش اندازد به نیت آن دشمن البته
که آن دشمن روز هفتم بیاید و دست و روی آنکس را ببوسد
باذن خدای تعالی و اگر دشمن او از بزرگان باشند البته که
او را بطلبند و نوازش بسیار کنند و در نزد خود بنشانند و
خاصیت دیگر آنکه یا محمد هرکه این دعا را در بالای سر بیمار
سه نوبت بخواند بیمار صحت یابد باذن الله تعالی و خاصیت
دیگر آنست که یا محمد هرکه این دعا را بر پارهٔ نبات سفید

بخواند و بخورد هر که خواهد بدهد انشخص هرگز ازو رنج نرسد

و خاصیت دیگر آنکه یا محمد هر کس این دعا را از جهت دولت

و منصب که از پادشاه خواهد مدت چهل روز هر روز پنج مرتبه

بخواند و اما وقت خواندن آن آنست یکمرتبه بعد از نماز صبح

و یکمرتبه بعد از نماز ظهر و یکمرتبه بعد از نماز عصر و یکمرتبه بعد

از نماز شام و یکمرتبه بعد از نماز خفتن بخواند و اما در وقت

خواندن باید بخور بسوزانند مثل عود و عنبر و اما در روز آخر

در این پنج وقت هر وقتی یک مثقال کندر و نیم مثقال عنبر اشهب

باید بسوزانند و سه روز آخر را روزه بدارد و حیوانی ابدا نخورد

و هر روز یکمرتبه غسل کند و جامه پاک بپوشد و روز آخر در خانه

خلوت بنشیند و با کسی سخن نگوید و در همان روز تصدق بدهد که

بیشک مرادش حاصل شود و بزرگان دین بسیار تجربه کرده اند

و خاصیت دیگر آنکه یا محمد هر که این دعا را هر روز یکبار بخواند

ثواب تو که محمدی خدای تعالی بادکرامت کند و ثواب موسی ع و

عیسی ع و ثواب ابراهیم خلیل الله و ثواب چهار فرشته دیگر اول

من که جبرائیلم دوم میکائیل سیم اسرافیل چهارم ثواب عزرائیل
خدای تعالی یاد کرامت کند حضرت رسول صلعم فرمود یا اخا جبرئیل
تغییر حال من نمودی از جهت بسیاری ثواب این دعا جبرئیل گفت
یا محمد هر که این دعا را پیوسته بخواند روز قیامت صورت او چون ماه
شب چهارده روشن و درخشنده باشد که شعاع جمال آن بنده جمیع
عرصات روشن کرده و چون از قبر برخیزد همه اهل عرصات گویند
آیا کدام پیغمبر باشد ندا میرسد که پیغمبر نیست و این همان بنده ایست
که همیشه در دنیا دعای قدح میخوانده است و از شفاعت تو که
محمدی بی نصیب نباشد و گفت جبرئیل یا رسول الله تو از همه پیغمبران
بزرگتری و فاضلتری و این دعای قدح از همه دعاها عظیم است
از برای آنکه خداوند از نور قدرت خود آفریده است زنهار زنهار
که این دعا را بنا اهل نیاموزی بجهت آنکه برای هر مطلبی که
بخوانند بر آورده میشود بیشک و خاصیت دیگر آنست که بنده
در عمر خود یکبار بخواند در روز قیامت منکه جبرئیلم او را از قبر
بیرون میآورم و بر براق سوار میکنم و در بهشت میبرم

دوم روز قیامت رو سفید بیند و نامه اعمال او را بدست راست او دهد هم در حساب او آسان بیشود و از صراط آسان بگذرد و شفاعت کس از خویشان و اقوام او خدای تعم باو ببخشد و خاصیت دیگر آنست که اگر کسی تنگ روزی باشد و این دعا را مداومت نماید روزی او فراخ گردد و درویشی نه بیند و خاصیت دیگر آنکه اگر کسی مال و جمعیت زیاده بخواهد این دعا را هر روز چهل مرتبه بخواند تا روز چهلم خدای تعم او را آنقدر مال و جمعیت بدهد که خلاص از دست مال بتنگ آید باذن الله تعالی و شرح این دعا بسیار است مختصر کردیم تا نویسنده و خواننده ملال نگیرد

هذا دعای مدح مغربی بزرگوار

بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ سِرِّي وَعَلَانِيَتِي فَاقْبَلْ مَعْذِرَتِي وَتَعْلَمُ حَاجَتِي فَاَعْطِنِي سُؤَالِي وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي فَاغْفِرْلِي

وَذُنُوبِي فَاِنَّهٗ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا
اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَ
رْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا حَيُّ
يَا قَيُّومُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ
عَرْشِكَ الْعَظِيمِ اَغِثْنَا يَا رَبِّ وَاَسْئَلُكَ
بِحَقِّ طُورِ سِينَا اَغِثْنَا يَا رَبِّ وَ
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ اٰدَمَ وَحَوَّا اَغِثْنَا يَا
رَبِّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
الٓمٓ ذٰلِكَ الْكِتَابُ اَغِثْنَا يَا رَبِّ وَاَسْئَلُكَ
بِحَقِّ شَهِدَ اللّٰهُ اَغِثْنَا يَا رَبِّ وَاَسْئَلُكَ

بحق الم الله لا اله الا هو الحي القيوم
اغثنا يارب واسئلك بحق شهد الله انه
لا اله الا هو اغثنا يارب واسئلك بحق
قل اللهم مالك الملك اغثنا يارب واسئلك
بحق يا ايها الناس اتقوا اغثنا يارب و
اسئلك بحق يا ايها الذين امنوا واوفوا
بالعقود اغثنا يارب واسئلك بحق
الحمد لله الذي خلق السموات والارض
اغثنا يارب واسئلك بحق المص
عليك اغثنا يارب واسئلك بحق يسئلونك
اغثنا يارب واسئلك بحق براءة
من الله ورسوله اغثنا يارب واسئلك

بحق الٓمٓ تلك ايات الكتاب الحكيم اغثنا
يارب واسئلك بحق الٓرٰ كتاب انزلناه
اغثنا يارب واسئلك بحق اتے امر الله
اغثنا يارب واسئلك بحق سبحان
الذے اسرے بعبده ليلاً من المسجد
الحرام اغثنا يارب واسئلك بحق الحمد
لله الذے انزل على عبده الكتاب اغثنا
يارب واسئلك بحق بسم الله الرحمن الرحيم
كٓهٰيٰعٓصٓ واغثنا يارب واسئلك بحق
اقترب الناس حسابهم اغثنا يارب
واسئلك بحق قد افلح المؤمنون اغثنا
يارب واسئلك بحق تبارك الذي

تنزیل الفرقان اغثنا یا رب واسئلك
بحق الم احسب الناس اغثنا یا رب
واسئلك بحق الم غلبت الروم اغثنا
یا رب واسئلك بحق الم تلك ایات
الکتاب اغثنا یا رب واسئلك بحق تنزیل
الکتاب اغثنا یا رب واسئلك بحق
یا ایها النبی اتق الله اغثنا یا رب واسئلك
بحق الحمد لله الذی له ما فی السموات
وما فی الارض اغثنا یا رب واسئلك
بحق الحمد لله فاطر السموات والارض
اغثنا یا رب واسئلك بحق یس والقران
الحکیم اغثنا یا رب واسئلك بحق

والصافات اغثنا یارب واسئلك بحق
ص والقرآن اغثنا یارب واسئلك
بحق تنزیل الکتاب اغثنا یارب و
اسئلك بحق حم تنزیل الکتاب من الله
العزیز العلیم اغثنا یارب واسئلك بحق
حم تنزیل الکتاب من الرحمن الرحیم
اغثنا یارب واسئلك بحق حم عسق
اغثنا یارب واسئلك بحق حم والکتاب
المبین اغثنا یارب واسئلك بحق حم
والکتاب المبین انا انزلناه اغثنا یارب
واسئلك بحق حم تنزیل الکتاب من الله
اغثنا یارب واسئلك بحق حم تنزیل

الكتاب من الله العزيز الحكيم اغثنا يارب
واسئلك بحق الذين كفروا اغثنا يا
رب واسئلك بحق انا فتحنا لك فتحا مبينا
اغثنا يارب واسئلك بحق يا ايها الذين
آمنوا اغثنا يارب واسئلك بحق ق و
القرآن المجيد اغثنا يارب واسئلك
بحق والذاريات ذروا اغثنا يارب
واسئلك بحق والنجم اذا هوى اغثنا
يارب واسئلك بحق اقتربت الساعة
اغثنا يارب واسئلك بحق الرحمن علم
القرآن اغثنا يارب واسئلك بحق اذا
وقعت الواقعة اغثنا يارب واسئلك

وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ
الْاَرْضِ اَغِثْنَا یَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
قَدْ سَمِعَ اللّٰهُ اَغِثْنَا یَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ
بِحَقِّ سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی
الْاَرْضِ اَغِثْنَا یَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا اَغِثْنَا
یَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِی
السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیْزُ
الْحَكِیْمُ اَغِثْنَا یَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
یُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ
اَغِثْنَا یَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ اِذَا جَآئَكَ
الْمُنَافِقُوْنَ اَغِثْنَا یَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ

يسبح لله ما في السموات وما في
الارض له الملك اغثنا يا رب و
اسئلك بحق يا ايها النبي اذا طلقتم
النساء اغثنا يا رب و اسئلك بحق
يا ايها النبي لم تحرم ما احل الله
اغثنا يا رب و اسئلك بحق تبارك
الذي بيده الملك اغثنا يا رب و
اسئلك بحق ن والقلم وما يسطرون
اغثنا يا رب و اسئلك بحق الحاقة
ما الحاقة اغثنا يا رب و اسئلك
بحق سال سائل بعذاب واقع
اغثنا يا رب و اسئلك بحق

اِنَّا اَرْسَلْنَا نُوْحًا اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ
بِحَقِّ قُلْ اُوْحِيَ اِلَيَّ اَنَّهُ اسْتَمَعَ اَغِثْنَا
يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ يَا اَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ
اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ يَا اَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ
اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ لَا اُقْسِمُ بِيَوْمِ
الْقِيٰمَةِ اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ هَلْ
اَتٰى عَلَى الْاِنْسَانِ حِيْنٌ مِّنَ الدَّهْرِ
اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَالْمُرْسَلٰتِ
عُرْفًا اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ عَمَّ
يَتَسَاءَلُوْنَ اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
وَالنّٰزِعٰتِ غَرْقًا اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ

بحقِ عبس و تولّٰی اغثنا یا ربّ و اسئلک
بحقِ اذا الشمس کوّرت اغثنا یا ربّ
و اسئلک بحقِ اذا السماء انفطرت
اغثنا یا ربّ و اسئلک بحقِ ویلٌ
للمطففین الذین اغثنا یا ربّ و اسئلک
بحقِ اذا السماء انشقت اغثنا یا ربّ
و اسئلک بحقِ والسماءِ ذاتِ البروج
والیوم اغثنا یا ربّ و اسئلک بحقِ و
السماء والطارقِ اغثنا یا ربّ و اسئلک
بحقِ سبّح اسم ربّک الاعلی الذی اغثنا
یا ربّ و اسئلک بحقِ هل اتٰیک حدیث

اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَالْفَجْرِ وَ
لَيَالٍ عَشْرٍ اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
لَا اُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ
بِحَقِّ وَالشَّمْسِ وَضُحٰهَا اَغِثْنَا يَا رَبُّ
وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَاللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى اَغِثْنَا
يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَالضُّحٰى وَاللَّيْلِ
اِذَا سَجٰى اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ اَغِثْنَا يَا رَبُّ
وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَالتِّيْنِ وَالزَّيْتُوْنِ اَغِثْنَا
يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ اِقْرَاْ بِاسْمِ رَبِّكَ
اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ
فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ اَغِثْنَا يَا رَبُّ وَاَسْئَلُكَ

بِحَقِّ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا اَغِثْنَا يَارَبُّ
وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ اِذَا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ
اَغِثْنَا يَارَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَالْعَادِيَاتِ
ضَبْحًا اَغِثْنَا يَارَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ اَلْقَارِعَةُ
مَا الْقَارِعَةُ اَغِثْنَا يَارَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
اَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ حَتّٰى اَغِثْنَا يَارَبُّ وَ
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ وَالْعَصْرِ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِيْ
خُسْرٍ اَغِثْنَا يَارَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ اَغِثْنَا يَارَبُّ وَ
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ
اَغِثْنَا يَارَبُّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ لِاِيْلٰفِ
قُرَيْشٍ اِيْلٰفِهِمْ اَغِثْنَا يَارَبُّ وَاَسْئَلُكَ

بحق ارایت الذی یکذب اغثنا یا
رب واسئلک بحق انا اعطیناک الکوثر
اغثنا یارب واسئلک بحق قل یا ایها
الکافرون اغثنا یارب واسئلک بحق
تبت یدا ابی لهب اغثنا یارب و اسئلک
بحق قل هو الله احد اغثنا یارب و
اسئلک بحق قل اعوذ برب الفلق اغثنا
یارب واسئلک بحق قل اعوذ برب
الناس اغثنا یارب واسئلک بحق
جملهٔ کلمها که در قران هست اغثنا یارب
واسئلک بحق صفتهای الهی و بحرمة
چهل و هشت هزار و نود نون که در

قران است الهی بحق یازده هزار و چهار
صد و هفتاد ب که در قرانست الهی
بحق حرمة سه هزار و سیصد و بیست
جیم که در قرانست الهی بحق حرمة صد
هزار ح که در قرانست الهی بحق حرمت
دو هزار و هفتصد و نود هشت د
که در قرانست الهی بحق حرمت دو
هزار و هفتصد هشت ذال که در قرا
نست الهی بحق حرمت پنجهزار و نود
ر که در قرانست الهی بحق حرمة
هزار دویست ز که در قرانست الهی
بحق حرمت شش هزار پانصد و هفتاد
هفت س که در قرانست الهی بحق حرمة

انچه ش که در قرانست الهی بحق حرمت
دو هزار و هشتاد و هفت ص که در قرانست
الهی بحق حرمت نه هزار و دویست و هفتاد
چهار ض که در قران است الهی بحق
حرمت هفتهزار و هفتصد و نه ع که در قرا
نست الهی بحق حرمت هزار و دویست
چهل غ که در قرانست الهی بحق حرمت
هزار و چهارصد و نود و چهار ف که در
قرانست الهی بحق حرمت شش هزار و
چهارصد و سیزده ق که در قرانست
الهی بحق حرمت دو هزار و پانصد و
بیست و دو ک که در قرانست الهی
بحق حرمت سی و سه هزار و پانصد و

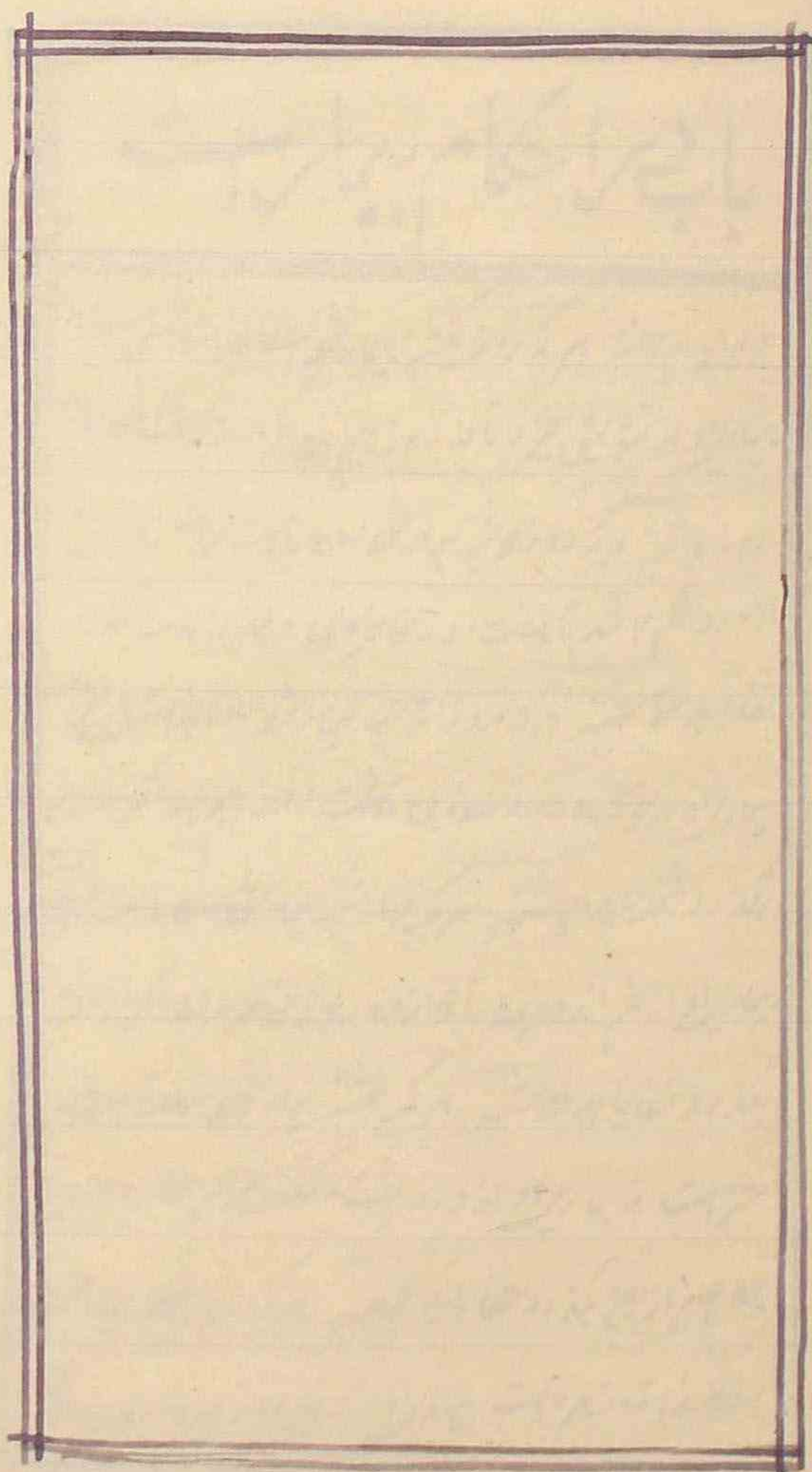
بیست و دو ل که در قرانست الهی بحق
حرمت شش هزار و ششصد و بیست و شش ن
که در قرانست الهی بحق حرمت هزار
ع که در قرانست الهی بحق حرمت چهل
هزار و هفتصد لا که در قرانست الهی
بحق حرمت پانزده هزار و هشتادی
که در قرانست الهی بحق حرمت صد
چهار ده سوره که در قرانست الهی
بحق حرمت شش هزار و ششصد و شش آیه
که در قرانست الهی بحق حرمت کلام الله
مجید که جبرئیل امین بیاورده و بمحمد
رسول الله صلی الله علیه و آله داده
الهی بحق توراة موسی ع الهی بحق

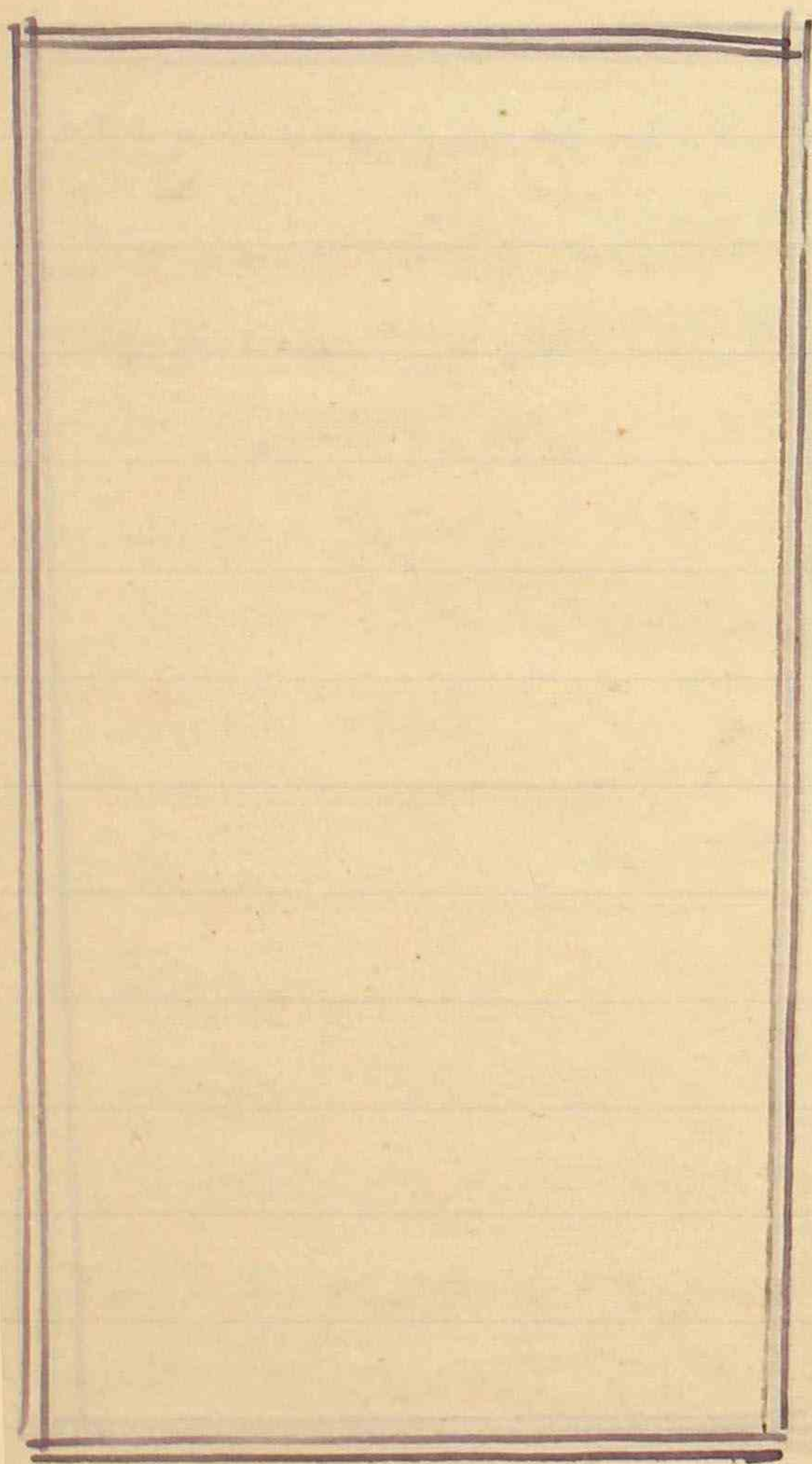
حرمت انجیل عیسی ع الهی بحق حرمت زبور
داود ع الهی بحق حرمت فرقان محمد
رسول الله ص الهی بحق حرمت هزار یکنام
وبحرمت نود ویکنامت الهی بحق حرمت
آیة الکرسی الهی بحق حرمت آمن الرسول
وبحق حرمة شهد الله الهی بحق حرمة تحمیشا
الهی بحق حرمت فرشتا الهی بحق حرمت
حرزها الهی بحق حرمة ششصد نام
عبرے الهی بحق حرمت صد بیست چهار
هزار پیغمبر مرسل الهی بحق حرمت یک
الله سه هزار قامت الهی بحق حرمت
هزار ششصد رکعت نماز فریضه
الهی بحق حرمت چهار هزار هشتصد

رکعت نماز و تن الهی بحق حرمت پنجاه خطبه
الهی بحق حرمت یک لکه بیست هزار
سجود الهی بحق حرمت پنجهزار و هفتصد
شصت مناجات الهی بحق حرمت جبرائیل
و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و بحق حرمت
نزدیکان مقربین الهی بحق حرمت کراماً
کاتبین الهی بحق حرمت جمیع اولیاء و انبیا
و صلحا و صدیقان و مؤمنان و شهیدان
و غریبان و نزدیکان و مقربان الهی
بحق حرمت خدیجۂ کبرے الهی بحق حرمت
فاطمة الزهراء الهی بحق حرمت حضرت
اسد الله الغالب و مظهر العجایب علی
ابن ابی طالب ؑ الهی بحق حرمت امام حسن ؑ

الهی بحق حرمت امام حسین ۴ الهی بحق
حرمت هشت در بهشت و بحرمة هفت
در دوزخ الهی بحرمت درخت طوبی
و بحرمة سدرة المنتهی و بحرمت حوض
کوثر و بحرمت حور العین و بحرمت رضوان
و بحرمت نعمتهای دنیا و بحرمت نعمتهای
عقبا و بحرمت هفت طبقهٔ آسمان و بحرمت
هفت طبقهٔ زمین الهی بحق حرمت بیت
المقدس و بحرمت بیت الحرام و بحرمت
مکه و مدینه و بحرمت حجر الاسود
و بحرمت صفا و مروه و بحرمت قاب
قوسین و بحرمت عرش و کرسی و بحرمت
لوح قلم از تا حضرت رب العالمین

وبحق اشهد ان لا اله الا الله و
محمد رسول الله و علیا ولی الله
صلی الله علیه و علیهم اجمعین برحمتک
یا ارحم الراحمین





باب در احکام بیمار است

در ایام هفته هر که روز یکشنبه بیمار شود سلطانی است شمس است بیماری او از تشویش خیزد تا نه روز بیم بود اگر از نه گذشت شفا یابد روز دوشنبه هر که روز دوشنبه بیمار شود سلطانی است قمر است بیماری او از درد شکم باشد تا هفت روز مخاطره بود و چون از هفت بگذرد شفا یابد سه شنبه هر که روز سه شنبه بیمار شود سلطانی است مریخ است بیماری او از خوف و درد معده بود تا هشت روز بیم بود اگر از این بگذرد شفا یابد چهار شنبه هر که چهارشنبه بیمار شود سلطانی است مشتری است بیماری او از غم اندوه بود تا دوازده روز مخاطره بود اگر از این بگذرد شفا یابد پنجشنبه هر که پنجشنبه بیمار شود سلطانی است مشتری است و بیماری او از درد پشت و کتف خیزد چهار روز بیم بود چون از این بگذرد شفا یابد جمعه هر که روز جمعه بیمار شود سلطانی است زهره است بیماری او از درد جگر بود تا سیزده روز مخاطره بود

چنین از این بگذرد شفا یابد شنبه هر که روز شنبه بیمار شود سلطان است

زحل است بیماری او از غم اندوه بود تا پانزده روز مخاطره بود چنین

از این بگذرد شفا یابد باب در احکام حساب ماه اگر اول ماه

بیمار شود خوف بود دوم بیمار شود نزدیک نزع بود اما زود شفا یابد

سیم ماه بیمار شود خطر بود چهارم ماه بیمار شود خدای عز وجل بدست طبیبان

زود شفا دهد پنجم ماه بیمار شود پانزده روز بیم بود بعد از آن شفا

یابد ششم ماه بیمار شود تا نوزده روز بیم بود بعد از آن شفا یابد

هفتم ماه بیمار شود نزدیک مرگ رسد اما شفا یابد هشتم ماه

بیمار شود زود شفا یابد نهم ماه بیمار شود نزدیک نزع رسد اما

شفا یابد دهم ماه بیمار شود رنجوری کشد اما عاقبت بخیر بود

یازدهم ماه بیمار شود نزدیک مرگ است دوازدهم ماه بیمار شود

هشت روز رنج کشد بعد از آن شفا یابد سیزدهم ماه بیمار شود از آن رنج کشد

و عاقبت بخیر باشد چهاردهم ماه بیمار شود از آن بیماری خوش شود

مگر خدای تعالی شفا دهد پانزدهم ماه بیمار شود سنگین شود علاج باید

کنند تا شفا یابد شانزدهم ماه بیمار شود زود شفا یابد هفدهم ماه

بیمار شو بیماری او سنگین شو تا پانزده روز بکشد بعد ازان شفا یابد
هیجدهم ماه بیمار شو تا ده روز خطر بو بعد ازان شفا یابد نوزدهم ماه
بیمار شو یازده روز بکشد بعد ازان شفا یابد بیستم ماه
بیمار شو تا ده روز بکشد بعد ازان شفا یابد ۲۱ ماه بیمار شو
یازده روز بکشد بعد ازان شفا یابد ۲۲ ماه بیمار شو بیماری او
نوزده روز بکشد بعد ازان شفا یابد ۲۳ ماه بیمار شو تا ده روز
بکشد بعد ازان شفا یابد ۲۴ بیمار شو تا پنج روز بکشد بعد
ازان شفا یابد ۲۵ ماه بیمار شو تا ده روز بیم بو بعد ازان شفا یابد
۲۶ ماه بیمار شو زود شفا یابد ۲۷ ماه بیمار شو تا هشت روز بیم
مرگ بو بعد ازان شفا یابد ۲۸ ماه بیمار شو شفا یابد ۲۹ ماه
بیمار شو ترس بو بعد از ۳ روز شفا یابد آخر ماه بیمار شو
خوف عظیم دارد مگر خدای تعالی شفا بدهد از لطف خداش

باب در طالع نامهٔ مردان

بسم الله الرحمن الرحیم بدانکه حمل طالع پیغمبرست ع هرکه باین طالع
بو مردی بو سرخ و سفید و بلند بالا و بزرگ همت و با مردان

سازگار بود و از خویشان کم روزی بود زود خشم گیرد و خوشخو نیکو دواو
از حکیمان راحت رسد و بسلامت بیرون آید واما جراحت باو رسد و
عاقبت بخیر بود و از بلندی خطر باشد خود را باید محافظت کند و خانهٔ
روزی او ثور بود و رزق او از خاک بود و از چهارپایان نکو و سم بران او
نیکو بود خانهٔ فرزندان جوزا بود از فرزندان روزی او کم بود و خانهٔ
پدر سرطان بود و از او میراث یابد و خانهٔ برادران و خواهران اسد بود
از ایشان روزی مند بود و بیماری او از گرمی و خشکی بود طباشیر و گل سرخ
هلیله سود مند بود و خانهٔ زنان میزان بود نکاح او جفت بود و خانهٔ
خوف خطر عقرب بود مرگ او از درد شکم بود و خانهٔ سفر قوس بود
سفر بجانب مشرق نیکو بود خانهٔ شغل عمل او جدی بود شغل او بهتر باشد
و خانهٔ امید دوستان دلو بود امید از بزرگان بر آید و خانهٔ دشمنان
حوت بود و از دشمنان خطر بود و از روزها روز شنبه نیک بود و از
ماهها ماه محرم سازگار بود و خداوند این طالع را بیک سالگی
دو سالگی و نه سالگی و بیست یک سالگی قران بود و چون ازاین
بگذرد عمرش بهشتاد سال برسد و اگر خواهد که از آفات و بلیات
محفوظ باشد این تعویذ را با خود دارد تا از بلاها ایمن باشد

بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله الذی لا اله
الا هو من شر ما خلق و من شر غاسق اذا
وقب و من شر النفاثات فی العقد و من شر
حاسد اذا حسد حصلت من الشهادت
ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله
و بحق خاتم سلیمان ابن داود ع برحمتک یا ارحم الراحمین

طالع ثور بدانکه ثور برج خاکیست خانهٔ زهره است و ستارهٔ
روح بیمیز ۳ و صاحب این طالع مردی بود دراز عمر و نیکو بالا و حلیم
و صاحب مال است و خانهٔ مالش جوزا بود مال بسیار بدست میاورد
و خانهٔ برادران و خواهران سرطان بود از ایشان کم روزی بود و خانهٔ
پدر و مادر اسد بود از ایشان نیز مایده کم ببیند و خانهٔ فرزندان
سنبله بود از فرزندان روزی مند بود و بیماری او بیشتر از جوش
و کون بود و خانهٔ زنان و انبازان عقرب بود از ایشان روزی
میانه بود و خانهٔ خوف و خطر سنبله بود و بیماری او از صفرا بود و خانهٔ
عز جدی بود در عراق نیکو بود خانهٔ عملش دلو بود و شغل او با خاک باشد

وخانهٔ امید دوستان حوت بود امید از دوستان بر آید و خانهٔ دشمنان

حمل بود از دشمنان حذر باید کرد و از روزها روز شنبه و پنجشنبه

نیک بود و قران او بر دو سالگی و پنج سالگی و چهل سالگی و شصت

سالگی بود چیز از این بگذرد عمر تنی بنود سال برسد و در طالع او

آفات بسیار باشد باید این دعا با خود دارد تا از بدیها ایمن باشد

اهیا شراهیا اذونی اجاوث ال شکی

بنود وجد الله توکلت علی الله یا باری

بسم الله الملک السموات والارض یا هو برحمتک یا ارحم الراحمین

طالع جوزا

بدانکه جوزا برج بادیست و خانهٔ عطارد است

و ستارهٔ ذکریا پیغمبر است و هر که بدین طالع باشد مردی بود میانه

بالا و کشیده ابرو و ذب چهره و گرد رو و فراخ چشم و بر سینه نشانی

یا خالی داشته باشد آن نشان نیک بختی بود و دراز عمر و تعلم زن

و یا از اهل حساب باشد و از بزرگان روزی مند بود و با همه کس

طبع او برآید و از درد دندان او ترسیم بود و از ماهها ماه رجب

نیکو بود و از روزها روز چهارشنبه و چیزی پیش بزرگان رود و بردست

دوست ایستد تا مبارک باشد و طالع زنان او جوزا بود میان ایشان

سازگاری بود و نکاح او طاق بود و فرزند نرینهٔ او بیشتر باشد و باید

بی تعویذ نباشد و خانهٔ مال او سرطان بود مال جمع کند و مراد خود بیابد

و خانهٔ برادران و خواهران اسد بود از ایشان بی روزی باشد و خانهٔ

پدر و مادر میزان بود و از فرزندان دولت یابد و خانهٔ بیماری عقرب

بود علت بیماری او از سردی بود و خانهٔ انبازان قوس بود و با اهل علم

و علما صحبت دارد و زن از علما خواهد دولت یابد و خانهٔ سفر

دلو بود و سفر بسیار کند مال بدست آورد و خانهٔ عمل و پیشه حوت بود

و شغل باب بهتر باشد خانهٔ امید حمل بود امید از دوستان بیابد خانهٔ

دشمنان ثور بود از دشمنان حذر باید کردن و قران صاحب این

طالع در یک سالگی و شانزده سالگی و نوزده سالگی باشد چون از این

خطرها بگذرد عمرش به هفتاد سال برسد اگر خواهد که از جمیع بلاها ایمن

باشد آیة الکرسی و معوذتین را تعویذ کند و بر بازوی خود بندد

و از چیزهای ترش احتراز کند تا از جمیع بلاها محفوظ و ایمن باشد

طالع سرطان

بدانکه سرطان برج آبیست طالع اسمعیل پیغمبر است

وخانهٔ او جوزا است وطبع او سرد و خشک مردی باشد بزرگ همت و
خوش روی و نکاح او جفت باشد و فرزندان او بیشتر نرینه باشند
و بخشنده باشد و از روزها روز دوشنبه و پنجشنبه نیک بود و از
چهارپایان گاو و گوسفند سازگار باشد و خانهٔ مال اسد بود مال جمع
کند باز تلف کند و خانهٔ برادران و خواهران اسد بود و از ایشان
بی روزی بود و از بزرگان او را سروری کم بود و خانهٔ پدر و مادر
او میزان بود و از ایشان نیز روزی میانه بود و خانهٔ فرزندان
عقرب بود و از ایشان روزی میانه بود و بیماری او از سردی بود
و خانهٔ انبازی جدی بود و انبازی او بون زد و خانهٔ خوف و خطر
دلو بود و مرگ او از درد شکم و بیر بود و خانهٔ سفر حوت بود و سفر
بجانب مشرق مبارک باشد و خانهٔ شغل و عمل او حمل بود کشت از زمین
و آب نیک است و خانهٔ امید و دوستان ثور بود و از بزرگان
روزی مند بود و خداوند این طالع را خطر باشد بسه سالگی و پنج
سالگی و نه سالگی و شصت سالگی و چون از اینها بگذرد عمرش
بنود و سی برسد و باید که اگر بخواهد از جمیع بلاها محفوظ باشد
این اسمها را با خود نگاه دارد تا از جمیع بلاها ایمن گردد

طف الو اا دطط ۸ اا ع اا اسمس سمصون السموا

السموات السلقوا ومن قوم امرا اما یعدلون

طالع اسد

بدانکه اسد خانهٔ آفتاب است و گرم و خشک است و ستاره ذو القرنین است و ۳ وجه دارد اگر بوجه اول آمده باشد سیاه چهره و بلند بالا و باریک اندام و سبک دست و دانا و کم سخن و کارهای پر خطر بسیار کند و اگر بوجه دوم آمده باشد مشتری است گندم گون و پهن رو و فراخ چشم و پیوسته ابرو و بلند همت و آهسته گو و پر مکر بود و اگر بوجه سیم آمده باشد مریخ است سرخ و سفید و نیکو چشم و در نزد بزرگان عزیز باشد و هر که با این طالع باشد صاحب جاه و حرمت باشد و بسخن خوش حاجت روا کند و بجنگ از همه بالا دست تر بود و منفعت او بهمه کس برسد و نفع کسی باو نرسد و دلیل کند که بر سینه و زانو و زنخ نشانی دارد آن نشان نیک بختی بود و یکبار بر رنج عظیم گرفتار گردد و از اسب افتادن احتیاط کند و از بلندی بیم بود و عجب مبتلا که از سنگ یا از چوب جراحتی باو برسد و بیکجا قرار نگیرد و از چشم

بد خو بو نگاه دارد و خانهٔ مالش سنبله باشد مالی که پدرش آید
برای کسی خرج کند که دشمن او باشد و خانهٔ برادران و خواهران
میزان بود دلیل کند که ﻫ برادر و پنج خواهر باشند اما از ایشان
بی فایده باشند خانهٔ پدر و مادر عقرب است و پدر و مادر او را
عزیز دارند و از ایشان فایده بینند و خانهٔ فرزندانش قوس است
و کم فرزند باشند اما از یک فرزند نرینه خرمی بینند و خانهٔ بیماری
جدی است و بیشتر بیماری او از گرمی و خشکی باشد و صفرا و درد
شکم نیز باشد و داروی او فطابحری و شود و شکر و طبرزد
و صندل و گلاب و آب انار شیرین در فصل بهار بخورد شفا یابد
و خانهٔ زنان او دلو است دلیل کند که دو زن خواهد اول زن
با او موافق باشد اما زود بمیرد و از زن دوم خیر بینند
اما ناسازگار باشد و خانهٔ موت او حوت است و بیم مرگ او
در آن سن بود که طالع سال حوت و مشتری بود و قران او بپهار
سالگی و شانزده سالگی و پنجاه سالگی بود و چون از این
قرانها بگذرد عمرش هشتاد و پنج سال برسد و مرگش با توبه بود
و خانهٔ سفرش حمل است سفر بجانب مشرق نیکو بود و در سفر

صبور باشد و هر چند بزرگتر شود مالش زیادتر گردد و خانهٔ
عمل او ثور است و او را کار پادشاهان و بزرگان نیک باشد
و خانهٔ دوستان جوزا است و دوست او بسیار باشند و خانهٔ دشمنان
سرطان است و مردم با او دشمنی کنند اما ظفر نیابند و او را باید
از جامهای سبز و زرد و از نگینها یاقوت و از چهارپایان شتر
و اگر حاجتی بکسی داشته باشد بر دست راست او بایستد تا کارش
نظام گیرد و عبدالله بلال گوید که خداوند این طالع باید که بی نام
خدای تعالی نباشد و بی اسم اعظم نباشد و پیوسته این دعا را با
خود دارد تا زبان جملهٔ زنان و بدگویان بر او بسته گردد
و از شر ظالمان ایمن باشد بسم الله الرحمن الرحیم
یا نور السموات والارض یا غفور یا ودود
یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا
سلطان یا غفران یا دائم یا قائم یا ولی
الحسنات یا دافع البلیات برحمتك
یا ارحم الراحمین طالع سنبله

جالینوس و جاماس حکیم گفته اند که سنبله خانهٔ عطارد است و برج
نهم است و خاکی و طبع او سرد و خشک است و ستارهٔ غضر داليال است
و ۳ وجه دارد اگر بوجه اول آمده باشد آفتاب است سرخ و سفید
و نیکو رو بود و فراخ روزی و فراخ پیشانی و از بازرگان رو زی
مند بود اگر بوجه دوم آمده باشد زهره است سبز رنگ و شیرین گفتار
و نیکو چشم و گرد رو و خداوند لهو و طرب بود و اگر بوجه سیوم آمده باشد
عطارد است گندم گون بود و بزرگ سر و پیوسته ابرو و چرب زبان
و عجب بود که پیر شود هر که باین طالع بود هرچه ببیند بیاموزد و
بهای گرد کردن حریص بود و حرام باو نازد و سلیم دل بود و کار
خود بدست خود تباه کند و عجب بود که بر ناف یا بر سینه یا بر پهلو نشانی
دارد و آن نشان نیک بختی بود و از کهتر مهتر بار رود زیرک بود و دانا
و رحیم دل باشد و کار خیر بسیار کند و در اندیشه بود و بر یکجا
قرار نگیرد و هر کار که کند با نعمت تمام باز آید و مال آسان بدست
آورد و زود از دست بدهد و پیر سخن خویش جان فدا کند و زود
خشم کند و زود آشتی کند و خانهٔ ای میزان بود خدای تعالی روزی

حلال نصیب او کند و زندگانی او بسیار است و دشمن از خویش و بیگانه

زیاد دارد و خانهٔ خواهران و برادران عقرب است و از ایشان نفع

یابد و خانهٔ پدر و پدر قوس است و بر پدر و مادر شفق و مهربان

باشد اما هر چه پیشی از او بمیرند و کار او بعد از مرگ ایشان بالا

گیرد و خانهٔ فرزندان جدی بود و او را بسیار فرزند باشد و مینماید

که او فرزند بیک شکم بیاورد اما از دختر شادی بیند و خانهٔ مرگش

حمل است و مریخ و بیم مرگ او اندران سال بود که طالع سال حمل و مریخ

بود و قران او بنه سالگی است و بیست و هشت سالگی است و چند از

این بگذرد عمرش بنود سال برسد و اگر او را رنجی رسد این تعویذ را

با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم

کهیعص حمعسق ایاک نعبد وایاک

نستعین هیا شرا هیا اذونی اصباوت ال شدای فان تولوا فقل حسبی

الله لا اله الا هو ۱۱۱ دم ک ۱۱ هو

برحمتک یا ارحم الراحمین ۱۱۱۵ مح ک ۱۱۱۱ ع

بدانکه میزان طالع برج خاکی است و ستاره حضرت

محمد ص و آله است صاحب این طالع شخص باشد میانه بالا و با تدبیر کارهای خوب

کند و علم خواندن لایق است دارد و حرام خوردن او بسیار زود واز

روزها روز شنبه و پنجشنبه نیک بود و خانه مال او جدی بود و خرید و فروخت

او لایق بود و خانه پدر و مادر عقرب بود از ایشان روزی مند باشد

و خانه فرزندان دلو بود و فرزندش بسیار بود و لیکن از بهر هوا بیم

بود و باید که تعویذ نباشد و خانه بیماری حوت بود باید که تخم رازیانه

و گرفس در شنبه لیله در زرد چوبه باید بکر داخل کند چند بار ناشتا بخورد

نافع بود و او بد گویان بسیار باشد اما بر دل ظفر نیابند و اولا

از زیر زمین یا جای دیگر که دفینه باشد روزی شود که از آن منفعت

ببیند و چون ماه نو بیند در آب روان نظر کند تا مبارک باشد و خانه

زنانش حمل است از قبل زنی چیزی بدست او در آید اما باید بکر

یا دو کوچکی کنند و کار کرنا باشند و خانه موت او ثور است قران او

بهشت سالگی و دوازده سالگی و بیست چهار سالگی و سی هشت سالگی است

اگر از این قرانها بگذرد عمر او بهفتاد و سه سال برسد و خانه ۲ نعمتش
جوزا است او را سفر بجانب شرق نیکو بود و در سفر نعمت بسیار حاصل
شود خانهٔ عمل او سرطان است باید از صحبت پادشاهان و کارهای
ایشان حذر کند و چون او بسی سال برسد دیگر او را هیچ غم نباشد
و اولاد ایشان و برادران بسیار باشد اما از او بخورند و خانه ۶
دشمنان سنبله است هر چند مکر و حیله کنند ظفر نیابند و خداوند این
طالع را آب زد از جامهای سرخ و سبز و از نگینها مرجان و از چارپایان
نرینه و از روزها آدینه و از ماهها ماه رجب و اگر حاجتی تنگی داشته
باشد بر دست راست انگشتری بایسته تا کارش بمراد گذرد و عبدالله
هلال گوید که خداوند این طالع تعویذ اسم اعظم با خود نگه دارد و بنویسد
این نامها را با خود نگه دارد تا کار او بنظام بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله و بالله و من الله و الی الله و انی اسئلك
بحق محمد ابن عبد الله بن عبد المطلب ر
سول الله یا عظیم یا کریم یا رحیم یا غفور
یا شکور یا هیا شراهیا یا هرماص

هو هو احفظ صاحب الهیکل الاعظم برجیک یا ارحم الراحمین

جالینوس و جاماس حکیم گفته اند که عقرب خانهٔ

مریخ است برج است ماده و مغربی و طبع او سرد است و تر است و ستارهٔ

پیغمبر ۳ دارد است و سه وجه دارد اگر بوجه اول آمده باشد مریخ است و سرخ

و سفید است و نیکو روی و نیکو چشم و پیوسته بخصومت و ترش رو باشد

و اگر بوجه دوم آمده باشد آفتاب است سرخ و سفید بود و نزد بزرگان عزیز

بود و اگر بوجه سیم آمده باشد سبز رنگ و گرد رو و نیکو چشم و گشاده ابرو

و نیکو قد و قامت بود و هر که بدین طالع باشد نیک باشد و بغایت خرد

و بغایت جوانمرد بود و مردمان را از او منفعت بسیار باشد و او را از

کسی نفعی نباشد و با هر که وفا کند جفا بیند و بسیار طعنه زنند و از

بزرگی فایده نبیند و با هر که وفا کند اندک آسیبی باو رسد و انصاف بهمه

کس بدهد و از هیچ کس انصاف نمیابد و تیز چشم بود و زود خشم

کند و زود آشتی کند و مال آسان زود بدست آورد و زود

از دست بدهد و بر دست و یا بر پشت نشانی دارد و آن نشان

نیک بختی بود و عجب نبود که مرگ او در غریبی باشد و از بلندی

حذر کند و کار خود بدست خود تباه کند و خانهٔ آمال او قوسی بود

او نوای کسی باشد اما انچه از حلال باشد او وفا کند و خانهٔ برادران

و خواهران او جدای است و نیکوئی او را خواهند و از او خورند و حقوق وی کنند و خانهٔ پدر و مادر او دولت است برایشان عزیز باشند اما مادر و بیشتر از او بمیرند و خانهٔ فرزندانش حوت است و بیشتر فرزند او نرینه باشند و از یک فرزند اندوه خورد و خانهٔ بیماری او حمل است بیشتر بیماری او از درد جگر است و اما چند بیمار شود امید از او بر دارند اما عاقبت بخیر باشد داروی او قرنفل و فلفل و کافور و انگبین معجون کند در فصل بهار بخورد نافع است و از زنها شفا یابد و خانهٔ زنانش ثور است چهار زن بگیرد و خانهٔ بزرگان ثور هند و با منفعت باشد اما ناگاه غمی باو برسد و بعد از آن شاد شود و در میانهٔ عمر در گناه عظیم افتد اما زود خلاص شود و اما توبه کند و از اهل صلاح فایده بیند و او را چشم زخم و از دشمن زیان رسد و باید که بازوبند حضرت امیرالمؤمنین ع با خود دارد تا از همه بلاها ایمن گردد و در آخر عمر فرزند بسیار بهم رساند و اولاد او بسیار باشد و هیچ ضرر نیابد و حق تع او را فرزند صاحب دولت ارزانی فرماید و هر روز روز بروز خویش و اقربا از او بیاسایند و قران در سنه ۲ سالگی و پنج سالگی و چون از اینها بگذرد عمرش به شصت و هفت سالگی برسد و عبد الله هلال گوید که خداوند این طالع باید تعویذ بنام

وپیوسته این اسماء را نوشته با خود دارد تا روزگار بحسب مراد گذرد

بسم الله الرحمن الرحیم یا غفور یا ودود یا ذو العرش المجید یا فعال لما یرید یا نور السموات والارض یا لا اله الا انت الملک من فضلک العظیم سهمود س سطراس اهیا شراهیا صم بکم عمی فهم لا یرجعون صاحب الهیکل الاعظم برحمتک یا ارحم الراحمین

جالینوس وجاماس حکیم گفته اند که قوس خانهٔ مشتری است وبرج آتشی ومغربی وطبع او گرم وخشک وستارهٔ یعقوب پیغمبر است وسه وجه دارد اگر بوجه اول آمده عطارد است گندم گون ومیانه بالا بود وپیوسته ابرو ونیکو قد وقامت وصحبت او با ملوک واگر بوجه دوم آمده باشد ماه است وسفید رو بود وباریک ابرو بود ومیانه بالا وپیوسته ابرو بود وفراخ روزی بود وسفرهای بسیار کند ومال بسیار بدست آورد واگر بوجه سیم آمده باشد زحل است وسیاه چهره وباریک آواز وآهسته وباحکمت وچرب زبان وخوش سخن وبهای کردگون حریص بود هرکه بدین طالع باشد البته عاشق گردد وتیز چشم بود وزود خشم گیرد

و زود آشتی کند و توان گری او در آخر عمر بود و به سختی خویش جان را فدا
کند و در یکی قرار نگیرد و بر سینه یا گردن نشانی دارد و ان نشان
نیک بخیری بود و کار آشتی او نیکو بود و فراخ روزی بود و دراز عمر
و جامرد و توانگری او بسبب بازرگانی بود از بلندی و آب باید حذر
کند و باید پرهیزگاری کند و از حلال بهره مند و از حرام بیفایده باشد
اگر یکدرهم حرام بدست آورد دو درهم حلال از دست او برود و اگر
در غمی افتد زود بگذرد و خانهٔ مالش جدی بود مالی بدستش اید بی رنج
و در آخر عمر مال او زیاد شود و خانهٔ برادران و خواهران او دلو است
و برادران و خواهران پیش از او بمیرند و کار او بعد از مرگ ایشان
بالا گیرد و خانهٔ فرزندان او حمل است و او را فرزند بسیار باشد از دو زن
هر چند فرزندش زیاد شود مالش هم زیاد شود و خانهٔ بیماری او ثور است
و اغلب رنج او از صفرا بود و سودا بود و داروی او تباشیر و گل سرخ
و کتیرا و هلیله و اب انار شیرین بیامیزد و در فصل بهار بخورد از رنجها
شفا یابد و خانهٔ زنانش جوزا است دلیل کند که پنج نکاح کند و زن دوست
بود و شهوات غالب بود و یکبار به تهمت افتد و خانهٔ مرگش سرطان است
بیم مرگش به سه سالگی و هفت سالگی و بیست سالگی بود چون از اینها بگذرد
عمرش بهفتاد سال برسد و خانهٔ سفرش اسد است سفرهای بسیار کند اما در سفر

خوی زور بجی بیند اما یا بی بسیار بخانه آید و عاقبت کار او خوب باشد و غر
بجانب مشرق نیکو باشد و خانهٔ عمل و سلطان سنبله است و از سلطان
نیکوئی بیند و سخن او را قبول کند و خانهٔ دوستان میزان است و او را
دوستان بسیار باشند و دشمنان او هرچه مکر حیله کنند با و ضرر نیابند
و خداوند این طالع را باز د از جامهای سفید و از نگینهای زمرد و یاقوت
و از چهارپایان نرینه و از روزهای پنجشنبه و از ماههاه ماه رمضان و چون
ماه نو بیند بروی نرینه نگاه کند تا مبارک باشد و اگر حاجتی پیش داشته
باشد بر دست راست انگشتری بایستد تا کارش بنظام آید و عبدالله
هلال گوید که خداوند این طالع باید پیوسته این اسماها را با خود دارد
تا از بلاها ایمن گردد بسم الله الرحمن الرحیم یا حمید
یا مجید یا غفور یا ودود یا ذو العرش
المجید یا فعال لما یرید یا رب السموات
والارض یا نور النور یا فوق النور یا محات
النور یا نور کل النور یا نور علی نور یا حی
یا قیوم یا اهیا شراهیا احفظ صاحب
الکتاب والتعویذ برحمتک یا ارحم الراحمین

جالینوس حکیم گفته اند که جدی خانهٔ زحل است

برجش خاکی و زمستانی و مغربی است و طبع وی سرد و خشک است و ستاره موی ۴

بهم است سه وجه دارد اگر بوجه اول آمده باشد مریخ است و سرخ و سفید و

بلند بالا و ازرق چشم و پیوسته ابرو و خندان و فراخ چشم و فراخ روزی

باشد و با بزرگان نشست و برخاست کند و چرب زبان و شتاب کار بود

اگر بوجه دوم آمده باشد باز مریخ است سرخ و سفید و بلند بالا و ازرق چشم

و پیوسته ابرو و خدمتکار بزرگان باشد و اگر بوجه سیم آمده باشد

آفتاب است سفید رنگ و بلند بالا و میان باریک و بکار خیر رغبت کند

و بر طاعت حریص بود و هر که بدین طالع باشد از کشت زرع با روزی

باشد و هر چند بزرگتر شود کار او بهتر شود و دعوی بزرگی کند و با همه

مردم دوست بود و در همه کاری تدبیر کند و بکار خود فرو ماند و شور

دست بود با هر که وفا کند جفا بیند و از سختی محال رو برتابد و سخن

خویشان شود و او را با زنان سازد و از خدمت سلطان نیکوئی

بیند و چرب زبان بود و دست بر همه کار زند و با علم بود و در آخر عمر

از کارهای خود توبه کند و حرام و دروغ با دنیا زد و یک نشان بر روی

و سر دارد و ان نشان نیک نحس بود و از آب یا از آتش باید حذر کند

و از جادو بیم بود و در زیر درخت نخسبد و تنها بجائی نرود و خانم

مالش دولت و باخر عمرها بسیار بدستش افتد و عجب نبود که میراث یابد
و خانهٔ خواهران و برادران حوت است و از انها کم روزی باشند و اهل بیت
او بر او حسد برند و خانهٔ پدر و مادرش حمل است و از مادر و پدر
نیکوئی بیند و شاید که پیش از او بمیرند و خانهٔ فرزندانش ثور است
و اغلب فرزندش مادینه باشند اما قدم ایشان مبارک باشند و خانهٔ
بیماری او جوزا بود اغلب بیماری او از باد و خشکی و درد معده و درد شکم
باشد داروی او هلیله و بلیله و آمله و گل شکر و عسل معجون کند
در فصل بهار بخورد تا از رنجها شفا یابد و خانهٔ زنانش سرطان است
سه زن نکاح کند و میراث زن بخورد و خانهٔ مرگش اسد است و بیم
مرگ او بهفت سالگی و یا نزده سالگی بود چون از این بگذرد عمر او
بنود سالی برسد و خانهٔ سفرش سنبله است و بر یکجا قرار نگیرد و سفرش
بجانب مغرب نیکو بود و او بکار بزرگان نیکو بود و از بزرگان نیکوئی
بیند و خانهٔ دوستان عقرب باشد او را از هیچ بخت روزی نباشد هر چه
با مردم نیکی کند بهتر بود و خانهٔ دشمنان قوس بود او را دشمنان بسیار باشند
اما هر چه مکر و حیله کنند ظفر نیابند و خداوند این طالع را باز دار از
جامهای ازرق و صوف و از نگینها عقیق و از چهارپایان نرینه سم شکافته
و از روزها سه شنبه و از ماهها ماه شعبان و چون ماه نو بیند بر روی مادر بیند

نگاه کند تا مبارک باشد و اگر پیشی بزرگی رود بر دست بوست انکس
قرار گیرد و عبدالله هلال گوید که خداوند این طالع باید بی اسم اعظم
نباشد و این دعا را بنویسد بر بازوی چپ بندد تا روزگار بعجب مراد
گذرد بسم الله الرحمن الرحیم عسع انلع البع آهیا شراهیا
سبوح قدوس ربنا ورب الملائکة والر
وح احفظ صاحب الدعاء هذه الاسماء و
برحمتک یا ارحم الراحمین
جالینوس و جاماس حکیم گفته اند که دلو خانه از حل است برج آبست نر و بادی
و شرقی و زمستانی و طبع وی گرم و تر است و ستاره حضرت امیرالمومنین علی است
سه وجه دارد اگر بوجه اول آمده باشد زهره است سبز رنگ و نیک چشم و فراخ
پیشانی و صاحب دولت بود و اگر بوجه دوم آمده باشد عطارد است سفید رنگ
و میانه بالا و نیکو قد و قامت و سلیم دل و نیکو معامله از جای بجای بسیار رود
و در یکجا قرار نگیرد هر که بدین طالع باشد سه بار مال بدست آورد و باز از
دست بدهد و در کار خیر بسیار جد و جهد کند و از دد و دام و گزیدن سگ
بیم بود و در اول عمر کار او بهتر بود و بیشتر مال او از حرام بود از قبل بزرگی
بسیار خیر ببیند و از بلندی و از اسب احتیاط کند و از مردم سیاه چهره

پرهیز کند و صحبت با کسی کند که دشمن او باشند و او را بسیار فرزند باشند
و از هر فرزند شادی بیند و تیز چشم بود و زود خشم گردد و زود فرو نشیند
و در نزد بزرگی عزیز باشد و او را از آهن جراحت رسد و یکبار هم
از آتش آسیب بدو رسد اما عاقبت بخیر باشد و از شهر بشهر افتد و زحمت
بسیار کشد و خانهٔ مالش دوست است که آنکه مال او میانه بود و میراث خویش
بدو برسد و خانهٔ برادران و خواهران حمل است او را خواهران و برادران
کم باشند و اما با هیچکس با او سازگار نباشند بزبان دوست باشند بدل دشمن
و خانهٔ پدر و مادرش ثور است و مادر و پدر پیش از او بمیرند و از ایشان میراث
یابد و بعد از مرگ ایشان کار او بالا گیرد و خانهٔ فرزند او جوزا است
و بیشتر فرزند او نرینه باشند دلیل کند که فرزند وی از دو زن باشند
از دو فرزند شادی بیند خانهٔ بیماری او سرطان است و داروی او
هلیله شکر و انگبین معجون کند در فصل بهار بخورد شفا یابد و خانهٔ
زنانش اسد است که ۳ زن نکاح کند اما زن سیم سازگار باشد و قران
وی چهار سالگی و سیزده سالگی و بیست پنج سالگی و چهل سالگی است اگر
از این قرانها بگذرد عمرش بهفتاد سالی برسد و خانهٔ عمرش میزان است

از خرید و فروخت سود بود و سفرش بجانب شرق بهتر بود خانهٔ عمل
و سلطان عقرب بود تدری ترس دارد و الا کار بایشان از پیران او
نیک باشد و خانهٔ دوستان قوس است او دوستان بسیار باشد و همه
کس او دوست دارد و قول او مقبول کنند و در نزد مردم
عزیز باشد و خانهٔ دشمنان جدی است و او نیز دشمنان بسیار باشد
اما هر چند مکر و حیله کنند ظفر نیابند و خداوند این طالع باید از
جامهای کبود دار چهار پایان پرهیز کرده و از روزها روز یکشنبه
و از ماهها ماه محرم و چون ماه نو بیند بر روی یا دیده نگاه کند تا براو
مبارک باشد و اگر پیش بزرگ رود بر دست راست او قرار گیرد تا
کارش بنظام آید و عبد الله هلال گوید که خداوند این طالع بی اسم
اعظم باید نباشد و این دعا را بنویسد با خود دارد تا از بلاها ایمن گردد

بسم الله الرحمن الرحیم یا رب السموات
والارض فانفذوا لا تنفذون الا
بسلطان فبای آلاء ربکما تکذبان برحمتک
یا ارحم الراحمین

جالینوس و جاماس حکیم گفته اند که حوت خانهٔ مشتری است و برجی
آبی و زمستانی و طبع وی سرد و تر است و ستارهٔ یونس پیغمبر است
و سه وجه دارد اگر بوجه اول آمده باشد زحل است سیاه چهره و کوچک
سر و از گزیدن سگ بیم بود و از آهن جراحتی باو برسد اگر بوجه
دویم آمده باشد مشتری است سفید گونه باشد و نیکو قد و قامت و
سلیم دل بود و خوش خو باشد و با همه کس سازگار باشد اگر بوجه سیم
آمده باشد مریخ است سرخ و سفید و گربه چشم و بسیار دانا بود و در
کوچکی جاهل و در بزرگی زیرک و کور و باشد هر که بدین طالع
باشد چرب زبان و شیرین سخن باشد و لهو و طرب دوست بود
و مردم از او منفعت برند و او را از هیچ کس نفع نیاید و با
انصاف باشد و دعوی بزرگی کند و شغل خود فرماند و نور دست
بود با هر که وفا کند جفا بیند و در میان عمر کارش نیکو باشد و حرام
و دروغ بر او نسازد و یکبار از پادشاهان رنجی باو رسد و از
هر طرف که سفر کند از برای او خوب باشد و جراحتی بر او برسد و
بر بازو یا بر پهلو نشانی دارد آن نشان نیک بختی بود و او را
بسیار فرزند باشد و از ایشان کم روزی باشد و او را سخن گرفتن

دسهرهای نیک باشد و بسیار مردم برو حسد برند و دراز عمر تو به
کنه و کارش جز بر آید و تیز چشم بود زود خشم گیرد و زود خوشنود
شود و خانهٔ مالش حمل است تو انگر از آخر بود و میراث باو رسد و خانهٔ
برادران و خواهران او ثور است و او را برادر و خواهر باشند و ایشان
نیک خواه او باشند و او را بزرگ دانند و بر ایشان مهربان باشد
و خانهٔ پدر و مادر جوزا است و پدر و مادر هر دو پیش از او بمیرند
و بعد از مرگ ایشان کار او بالا گیرد و خانهٔ فرزندانش سرطان است
او را فرزند بسیار باشد هم پسر و هم دختر و چشم او بر فرزند روشن
بود و از دختران شهرت بیند و خانهٔ بیماری او اسد است اغلب رنج
او از درد شکم و باد باشد و دارو او سکنجبین و زنجبین و عسل
معجون کند در فصل بهار بخورد شفا یابد و خانهٔ زنانش سنبله بود
و پنج زن نکاح کند و از ایشان نیکوئی بیند و خانهٔ مرگش میزان است
قران و بیست ساله و سی ساله بود چیزی از آنها بگذرد
عمرش بنود سالی برسد و خانهٔ سفرش عقرب است و او را سفر بجانب
مغرب و دریا نیک بود و سود بسیار کند و از سفر نعمت حاصل کند
و خانهٔ عمل و سلطان قوس است و شغل پادشاهان او را نیک است

و قول او را قبول کنند و نزد ایشان عزیز باشند و خانهٔ دشمنان او
جدا بست او لاد شهر بسیار باشد اما هر چند مکر و حیله کنند ظفر نیابند
و خداوند این طالع را باز داز جامهای سفید و از نگینها عقیق و
از روزها روز پنجشنبه و از ماهها ماه ذی‌الحجه و چهره ماه نو ببیند بر
روی زنان نگاه کند تا مبارک باشد و از چهارپایان ماده ستوده و سم
شکافته برای او نیک بود و صاحب این طالع این دعا را بنویسد با خود
نگاه دارد تا کارهای او تمام برآید کهد لبسم الله الرحمن الرحیم
یا الله یا رحمن یا رحیم یا هو یا من هو یا من
لا اله الا هو یا نور النور یا مدبر الامور
یا فوق النور و تحت النور علی نور یا رب
یا رب یا رب برحمتک یا ارحم الراحمین

دار بیان طالع نامه زنان اول حمل
خلق و تکدی مریخت خالیندس.
و حاملی حاکم گفته انلهر ان زنی
کر بن طالع ایند نیکو ربود کارد
مو دنک و بزرگی سی و فراخ چشم

و باد یک آنکه هم پیوسته ابر و مردی از
کرم او مشفق و مهربان باشد و دعای
او مستجاب باشد زود خشم کرده و زود
خوشنود شود و کار او روز شنبه نیکو باشد
و باشد هر شاه ذکار باشد و شهری کند که صالح
مفید باشد تا بود یعنی ذکار باشد دلیل
کند که شئی غیر خورده باشد عیش و طرب
را دوست دارد دلیل کند فرزند او ترتیبه
باشد تا بلند برادر و با شکم او نشانی باشد
و ان نشان نیک بختی باشد چونکه از خانه
بلدی و مادی بر در او را خوشی باشد
و طبع او گرم و تر باشد داروی او عسل و روغن
کاو بخورد شفا یابد قرآن او دریک

مبارکی و چهار مبارکی باشد چون بکند در
بستان نو سازد و حرام نشاند و زنی
باشد بی هیچ کار و قلد مهر داد و
بیش دوست دارد و کلید بیچه نکاح ها
کند یا خطا و مرسل باشد چون بنای کاری
کند شبه یا اندیشه کردن و ماه حرام او را
زرد و چون ماه نو ببینید روی نونیه نکاه
کند یا مروی مبارک باشد و اگر پیش بنی
آینه روید دست راست ابتدا تا کارش
بمراد شود با یک دعای چشم زخم با خود دارد
برج ثور خانه زهره است قالینوس
و جاماسب حکیم گفته اند هر آن زنی که
با این طالع باشد سرخ و سفید و کشیده

ابرو و فراخ چشم و فراخ سینه و بلند قامت
و بزرگ سر و عاقل و دانا باشد و زیرک
و مشفق و مهربان و خوش خلق و باریک
اندام باشد و صاحب فرزندان شود و هرچه
خواهد بیابد و سخن او روان باشد و
مردمان قبول کنند اما باید شوهری اندک که طا
لع عقرب باشد تا بر او بسازد کارها باشد صاحب
این طالع زود خشم گردد اما زود خوشنود
شود و زنی که ابرسا باشد بر سینه یا بر گردن
نشانی دارد و آن نشان نیک بختی باشد
بیماری او از درد شقیقه و سر باشد دارو
ی او روغن کدو و نیلوفر باشد در
گوش چکاند مشغام باید فرمان دی دارد

در سالگی و سببی ده سالگی باشد چون بلند
ذیل بنود بسهل باید کرد از حرام بوهی
کنند تا عمرش دیر خوش در و باید کم دار
نماز کاهلی نکنند و تقلید داده
با در امان خدا تعالی باشد خدا اونک
اینطالع باید جامهای لباس و سبزی
پوشند و از جا دهای ها آن مابینه نگاه دارد
با ویرا مبارک باشد و از ماهها ماه
صفر او را نیک باشد و چون ماه نو بیند
بروی کودک بنگرد تا بر وی نیک
گذرد و با این چند دیسته ابن التعویذ را
با خود دارد تا از شر بدکرداران ایمن باشد بسم
الله الرحمن الرحیم یا الله یا رحمن یا رحیم

یا کریم یا مقیم یا قدیم یا عظیم یا علیم یا حلیم
یا حکیم برج سیم جوزا باشد خانه عطارد است

جالینوس و جاماسپ حکیم گفته اند هر زنی
که با این طالع باشد سرخ و سفید چهره و روی
پیوسته و قوی دل و مستور و نیکو موی باشد
و فرزند بسیار آورد و بر وی ناف یا سمیع
نشانی خرد دارد آن نشانه نیک بختی و نیکوکردار
و زیرک و حاضر منزل باشد بدیل کی و به مادر مهربان
باشد زود خشم بد بوی درست باید مدام
دلهای چشم زخم باخود دارد زود خشم
کی جو زود خوشنود شود و از اولاد
نیکی بیند که مالش بسبب فرزند باشد بشوهر
که بطالع قوس باشد نکاح کند تا بروی سازگار

باشد بروی خط بوند چندان بخلق نیکی
کنند که مردم او را عزیز دارند و سحر بر او
کنند باید باطل شمرد باخود دارد تا از
شر ساحران ایمن باشد فرزند او در سه
سالگی باشد چون بکند در دخل سال پیوسته
صاحب اینطالع جامه سفید و نگین یاقوت
وازجهارپایان نوبه نگاه داشتن نیکست
و از روزها چهارشنبه و از ماهها ربیع
اول او را نیکست و چون ماه نو بیند بر روی
قران نگاه کند تا او را مبارک باشد فی دیموز
کاه اگر روی در سمت راست ایستد تا بمراد
رسد چون کار بد کند روز چهارشنبه ابتدا کند
و صاحب اینطالع پیوسته این نامها با خود

دارد تا از شر بلا گوناگون و بلاها ایمن باشد

بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا منان

یا دیان یا برهان یا رحمن یا غفران یا

سلطان یا سبحان یا مستعان یا ذالمن و

البیان | برج چهارم سرطان خانه ماه است

هر آن زنی که با طالع باشد مقبل زنگ و گرد

رو و نیکو ابرو و سیاه چشم و دراز مو

و پیوسته ابرو باشد و با شوهر سازگار باشد

و بسیار فرزند آورد و بی خیانت و با حیا

و تقوی باشد زود خشم گیرد اما زود

خوشنود شود و نیکی بسیار کند فراخ دست

باشد و همه کس ورا دوست دارد دانا و زیرک

و عیش دوست باشد با هر که وفا کند جفا بیند

و کار خود را با کسی نگوید و در خانه
شوهر خوش می باشد و شوهر کند که بطالع
جدی باشد بمجودی سازگار باشد و بر ناف یا بر سینه
وای نشان نیکبختی باشد طبع او سرد و تر
است و رنج او از باد باشد که حجامت کند تا
سالم باشد و درد سر و شقیقه باشد باید روغن
گاو و عسل بهم بیامیزد و در گوش چکاند
و فلفل و نیم بخورد شفا یابد قرانش در سه
سالگی و چهار سالگی باشد چون از این بلاها درگذرد
بعد سال اخی سیل و طاعت و علم دوست
دارد باید توبه کند که از توبه کار او نیک
شود صاحب جامه سبز نیکو و از نگین
فیروزه و از جاریان ماده به و از روزها

شب دوازدهم ماه رجب طیر جب اورا نیلکو بانک
چون ماه نو بنیند بر روی فیروزه بنگرد
تا بر وی مبارک باشد چون بنده بگاه رود
دست راست قرار کرده تا کارش مراد در آل شود
باید همیشه بسته این نامها با خود دارد تا از شر
بد کویان ایمن باشد و در نماز ساعی باشد و کاهلی
نکند بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله
وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا فردا
وترا حیا قیوما دائما ابدا یا الله یا رب
یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام برحمتک
یا ارحم الراحمین احفظ صاحب هذا الدعا
برج پنجم سیم خانه فلک هر که زنی که با مطالع
باشد نیلو رو و نیکو خوی بود فراخ سینه و گندم گون

همانه بالا عیش و طرب دوست دارد و با
کسان گستاخ باشد و حضرت محمد(ص) را
در خواب ببیند و شوهر دوست بسیار دارد و طبع
او کار کند دانا و زیرک باشد و قدری مردم
نیکو داند در اول عمر تجربه کند بر ناف یا
دست نشانی دارد و آن نشان نیلگونی
باشد قدم او مرا در دو بار ۲ نیکو باشد شوهر او
کند که بطالع دلو باشد تا بر وی مبارک باشد
و قدم او بر شوهر نیکو باشد و از شوهر نیکوئی
بیند هر چند سه زن که شود کارش نیکو شود
و آن خول و حصرای رنج بیند یا یک گره رگ
یکشنبه طبع او کرم و خشناکست یا یک چیزی
بخورد که سر درد وی باشد قرآن او در دوازدهم

ستالکی باشد چون باکه زرده بود بد بسیار حرام و
دروغ او را شاد کار ها پسندیده کند
دوست علما باشد از چشم او رهیم باشد باید
این نام ها با خود دارد تا از شر دشمن ایمن
باشد بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم یا قدیم یا دائم یا احد
یا صمد الله لا اله الا هو الملک القدوس
لا اله الا الله وحده لا شریک له اشهد ان لا
اله الا الله محمد رسول الله علی ولی
الله حقا حقا | برج ششم سنبله خانه عطارد
هر آن زنی که بدین باشد نیکو رو و نیکو خو
شیرین گفتار و نیکو چشم باشد میلش طرب
دوست دارد این چنین بعز کند شود کار نیکی

شود زیرک و دانا و خردمند و تازه روی باشد
بیشتر اولاد او نرینه باشد بی بهان یا بیمشت
نشانی دارد و آن نشان نیکی باشد اورا
از طرفین روزی حلال رسد و بی سکو باشد
از مادر چیزی میراث یابد یا نوبت بنماید
اوگران شود چنانکه از روی دل جود ازو اما عقل
بخیر شد زنی یابد همت و سخندان و زیرک و
پسندیده باشد و شوهر دولت دار یابد که وفا
کند جفا بیند طبع او گرم و خشک باشد
از باد و بلغم رنج خورد باید ترشی بسیار نخورد و
شوهری کند که باطلع حوت باشد تا برا و سازکار باشد دلیل
کند که سه شوهر کند و با شوهر سازکار نشد باید
جامه سبز نپوشد از ماهها جمادی الاخر و از

نیک باشد

روزها پنجشنبه و از چهارپایان ماده‌گاو

چون شما ماه نو بیند بر روی شمشیر نگرد بار وی

مبارک باشد باید که پیوسته این نامها با خود

دارد تا از شر دشمن ایمن باشد بسم الله الرحمن الرحیم

یا ذا الجود والاحسان یا ذا الفضل والامتنان

یا ذا المن والبیان یا ذا الامن والامان یا ذا القدس

والسبحان یا ذا العهد یا الله یا رحمن یا رحیم

برج هشتم میزان صاحب خانه زهره است جالینوس

و جاماسپ حکیم گفته اند که هر زنی بطالع میزان

باشد نیکو روی و نیکو خو و بزرگ چشم و باریک

اندام و فراخ دهن باریک لب و زیرک و دانا

باشد یا بر سینه یا بر پشت نشانی داشته باشد

و آن نشانه نیکبختی باشد آنچه خواهد بدست

اورا در طاعت دوست دارد و توبه کار باشد
شوهر دوست بود اورا باشد که وفا کند جفا بیند
و از شوهر فسق تمام چون سال باید که شوهری
بطع جمل باشد تا بر او نماز گزار باشد اولاد او
بیشتر نرینه باشند بیماری او از صفرا و خشکی
باشد داروی او هلیله و بلیله باشد و اطریفل
باشد قمر او در سه سالگی و هفت سالگی باشد
چون بکند بنده بود بدو از آتش بیم باشد
باید که پرهیز کند و حضرات رسالت را
در حق غیب باید که در نماز و خیرات تقصیر
نکند مر حجب این طالع جامه سرخ نگین فیروزه
و از جار پایان مرینه نگاه دارد و از ماه همه ماه
رمضان و از روزها شنبه روز مبارک باشد

چون ماه نو بیند بروی قرآن بنگرد تا بر او
مبارک باشد و باید این نامها با خود دارد تا از
جمله آفات ایمن باشد بسم الله الرحمن الرحیم
یا مجیب یا طبیب یا قریب یا رقیب یا حسیب
یا مجیب یا مسبب یا رئوف یا رحیم برحمتک یا ارحم
الراحمین **برج هشتم عقرب** خانه هشتم نحست
پس فرخی کر باین طالع باشد کسی سرخ و سبز چشم و بلند
بالا و نیکو چشم و بسیار کس مهر ورزد او را و زیرک و خشمن
اک باشد زود خشم گیرد و زود خوشنود شود
با مروت باشد و اگر چیزی گم کند زود بیابد
و کار او زود بالا گیرد باید توبه کند تا ایمن
دار نشود دلیل آنکه چیزی بیابد مطالعت
دوست دارد بر شکم یا بر روی او نشانی باشد و الله

نشان فهمید بختی بود دلیل لیکن گر نظر شود
کنند باید که شوهری کند که بطالع قوس کافر
تا بردی نماز گزار باشد و در هیچ او از درجه دال
و شکم باشد باید کشنیز و بادیان بخورد
قربان او درجه ۳ سالگی و هفت سالگی باشد چون
بلغم در جگر بود مال بر بیند از درد شقیقه و درد
سر رحمت دارد باید روغن بادام در گوش چکاند
ندشف و یا بسمله باید کند و دعا کند جفا بیند حضرت
فاطمه را در خواب بیند نماز کند خنده دروی
و مستوری باشد خدا و نداند انشاء الله طالع جامه
سبز داشته باشد پوشیده از غایت عشق
و از چاره یابان تمام دیده و از ماها ماه شعبان
و از روز آدینه اول مبارک باشد چون

ماه نزدیک روی طفلی نا خورد بر او مبارک
باشد و چون تن خبر زی کان رود رد آب ریست
نیستک تا کاش بمراد شود باید این ها
با خود داشتا از شر دشمن ایمن شود بسم
الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله الملک
الجبار لا اله الا الله العزیز الغفار
لا اله الا الله الکبیر المتعال لا اله الا
الله الواحد القهار لا اله الا الله محمد
رسول الله علی ولی الله حقا حقا
برج نهم قوس | صاحب خانه مشتری
سمت جالینوس و جاماسپ حکیم الفقه اند
هر زنی که بطالع قوس باشد سرخ و سفید
و نیکوروی و نیکو قامت دراز موی و خنده

بود و همشوهر بشکل با هر کس وفا کند جفا
ببیند طاعت دوست دارد و بیش چی
کنفتار بشکل عیش و طرب دوست دارد و
بسخن خوش جان فدا کند زود خشم
گیرد و زود خوشنود شود و او را دشمن
بسیار بشکل و عیب او کر بیند انها ظاهر
نیابند و همه کاری که دارد او شود و یک شکم
فرزند او را بر پا یا بر سینه یا جوش
نشانی دارد این نشان نیک بختیست
و شوهر دوست دارد اما دلیل کنند
که بطالع جوزا بشکل تا یاد و نشان کار بشکل
طبع او گرم و خشک است ار در پهلو
زنج دارد باید هر چی بجوید حرز او

دین چهار و هشت سالکی تیک یا چوک بلکه دین

بغل بیرسک فرزند پیدا اوریلیشوق بزینه

باشلار جامه زرد و سفال و نگین لعل باشلک

و از جمله چهار پایان بزینه اورینکت و کار

او پنجشنبه و ماه رجب اوراه مبارک بلدیچول

ماه نو بیلینک سی روی آلماس نکرد و اکر بندد

بو نرکی روده دست راست ایستان تاکارش مراد

بر ایدم پیوسته این نامها با خود دارد تا از شر دشمن

دیمن بالک بسم الله الرحمن الرحیم یا کریم العفو

یا عظیم المن یا الشی الخفی یا قدیم الفضل

یا دائم اللطف یا لطیف الصنع یا منفس

الکرب یا کاشف الضر یا مالک الملک یا قا

ضی الحق | برج دهم جدی صاحب خانه زحل

جالینوس و جاماسب حکیم گفته اند هر آن کسی
که بطالع جدی باشد سخت بیرحم و پیوسته
ابرو گشاده گون و بینی بزرگ سر و پاها باریک
اندام باشد و زندگانی او دراز باشد و هر چند
پیر شود کارش نیکو گردد در میان خلا
یق باشد و زیرک و دانا باشد که همه کس مشغو
دست او کار کنند و تدبیر در کار همه کس کند و در
کار خود فرو ماند و خوش زبان باشد سخن
جان را فال کند و سخن ناخوش بر نتابد
شرکت و انبازی اورا نسازد و در کار موزی کا
ن اورا نیکو باشد و هرگز غم بخورد اگر غم
بوی برسد زود زایل شود کار دوست دارد
با غیرت باشد بر پهلو یا بر سینه نشانی دارد

ان نشان دنبال بختی باشد از بوداره وخرس
کتم روزی باشد پدر و مادرش بلند از او
بهمیه باشد و ملیشتی فرزند او نرینه
باشد از درد شکم و پهلو آزار دارد و باید
هاییله و اهله و بلیله و کشنیز باکل
مخمور حد شفا یابد حسب این طالع ستر
شوهر بلند و از ایشان میراث یابد
و از خویشان فایده اما در تهمت افتد
قرآن او در ۳۳ سالگی و یازده سالگی
باشد چون بلند تر بشود برید و حب
هنظالع جامها اسفند بخورد و تلکین عقیق
با خود نگاه دارد و از چهار پایان نرینه نگاه
دارد ما او را نیکو یابد و از رو ها ثیه برو

مبارک باشد دعا بر باد علی لیکن با حود درد

تمامند بلاها دمی کردد امن بار سدن الحمس

برج ۱۱	دلو کوکب زحل	بادی

بلانکه دلو برجی بادی و کوکب زحل است

باشد و نظر زمستان بوده باشد هر آن زنی

که بطالع دلو باشد زنی باشد بلند قامت

سبزه رنگ بلند انگشت و بلند گردن و خوش

رو و خوش اندام از خانه پدر و مادر کم طالع

بوده باشد و در خانه خویشان و اقربای بسیر بوده باشد

و از خانه برادران و خواهران دور افتاد و چند مدت

آب قریب بخورد و فا عقد و نکاح او بیفتاد

و انقلاب بوده باشد و هرجا گفتگو عقد او شود

بنماید که سحر و جادو گرفتار شود همیشه باطل سحر باشد خود

نگهدارد و قدوم وی در خانه شوهر مبارک نیست
و بسیاری سحرها بکنند شاید چند مدت بیجا بود داخل و ا
بگردد و همسر را در خانه خود راه نمیدهد و از خانه فرزند
او یازده فرزند یا هفت فرزند دار طالع دارد و
گاهی فرزند در شکم ضایع نماید و فرزند و از نظر قابله
اذیت بسیار برسد و همیشه با دعا باشند و از شر همزاد
محافظت خود بدارد که گاهی همزاد را اذیت کند
و خوابهای آشفته بسیار بینند و سگ و گربه در خواب
بسیار بینند ار بلند بیشتر فرزندان و بیماری بیند از نظر
و گاهی درد دل و پهلو درد و غم بسیار عارض میشود
که همیشه رنجور باشد و عارض میشوند بسیاری بن
مرضها از بادها همزاد بوده باشد و دعا مشکل بسیار
کنند تا شوده باشد و صاحب این طالع با شاهزاده گاهی

نزاع باشد عقد اول خود در دگر ده بنا د بهر زیارت
و سخط افتاگی و شاید زیارت سید شهید مشرف
بشود و عاقبت وی خیر بشود و صاحب این طالع
از جانب خویشان خود این روزها نزاع اختیار
و گفته اند که این سخن چنین مرکند دار خانه خود
قرار نمی‌گیرد تا آسوده بشود و قران عمر او به هفت
سالگی و سی سالگی بوده باشد و فانه زنده
کانی وی بشود در سال بر سد و البسها سفید و مثال
حریر سفید را بر لند تا بر وی مبارک باشد و انگشتها
عقیق بعمر نماید و از روزها روز شنبه بر وی مبارک
باشد و او را از خود دلها بهش بمجلس مگو سخنی بزرگ
تر از خود تر الکوش کن تا عاقبت او خیر باشد و
با همه دنیا ای حمزه با خود نگاه دار تا ایمن باشد

آبی لوم جنوبی	حوت کوکب مشتری	برج ۱۲

بدانکه حوت برجی است آبی و کوکب مشتری هر آن زنی
اگر بدین طالع بود باشد زنی باشد سرخ سفید
و خوش رو و خوش خلق و خوش اندام و بزرگ
سر و قدم باریک و خوش بخت و شوهر الفت و گاهی
شوهر خود را بر زبان برنجاند و زود خشم گیرد
و زود فرو نشیند و دوست را دشمن می دارد
و دشمن را دوست دارد و خدمت زیاد کند
و گاهی از اطراف در حق وی کنند فعلکم
صاحب چنین طالع دل وی با همه خلق راست باشد و جان
خود را فدای دیگران کند طالع بر هیچکس ندارد
باشد با هر کس نیکی کند در عوض بدی ببیند و دست
وی بی نمک باشد و از خانه خود خان و مرد با

دولت بشود و از خانه پدر و مادر کم میراث

برده باشد و از خانه پدر دادن و فاها ان عاقبت

او بخیر بشود و خانه فرزندان وی بسیار

بشود شش فرزند یا آنکه دوازده فرزند

دار طالع برده باشد و از یک فرزند وی بملکه

معظمه برود یا آنکه عالم شود یا آنکه بزرگی

و حکومت قرار بگیرد و صاحب شش فرزند باشد

و از یک شکم دو فرزند خدا باو عطا کند و

فرزند وی بسیار رشید و صاحب عمل بشود

و عاقبت او بخیر و خرمی گذرد و زیارت

مشهد امام رضا علیه السلام طالع وی میبینم

و شاید زیارت سید الشهدا هم برود یا آنکه

سفر دریا نماید و عاقبت دولت بروی جمع شود

و علتها چیز دردناک بسیار بنماید و در بالای سینه بر تو
وی بار شود و دشمنان و بدگویان او بسیار شوند
سه نفر هستند که چشم دیدن او را نداشته
باشند از آن جمله زن سیاه چهره میانه بالا سر تو
چپک دندان عیب جو ال در کارهای وی فاش میکند
فرار که دشمنی نماید کور شود و ستاره نحس از طالع تو
گذشته و کوکب طالع تو بلند شد از امروز تا دو ده
روز دیگر کوکب طالع تو از نحوست بیرون آید
و بر دشمنان مسلط شوید و هم لشکر یابید
و کلی اندام در خانه خود راه مده که در کارهای
تو فساد و اخلال نماید و از مرد دراز کم ریش
حذر نما آدم اجل در خانه خود راه مده و قران
طالع تو در شش ماهی و یا شش سالی گذشت
بعد بی بدم سی روز بیش از این از نز اهل مریخ

دو وقت بیش خوبی دیدی که نزدیک شهرهای
آب بود که به آب فتادی از بلا نجات یافتی
این خانه بر تو مبارک باشد و از نگینها عقیق
نقره در دست نما و از لباس‌ها سفید بر تو مبا
رک باشند و روزها پنجشنبه بر تو مبارک عدد قیمت
توخیر باشد لله تعالی والله اعلم

این کتاب از مال حاجی حسن آقا
اگر مال کسی طمع کند به لعنت
خدا و پیغمبر و ملائکه گرفتار
شود آمین یا رب العالمین
بتاریخ ۲۱ شهر رمضان مبارک
سنه ۱۳۳۴

